



## نیمه‌شبهای هرات؛

### مردم بیدار و پولیس در خواب!



بررسی روزنامه ۸ صبح نشان می‌دهد که پولیس شب‌هنگام در بسیاری از مناطق مرکزی و دروازه‌های ورودی شهر هرات حضور ندارد. براساس بررسی‌هایی که از وضعیت شهر هرات توسط روزنامه ۸ صبح صورت گرفته است، حضور نیروهای پولیس در نیمه‌های شب اندک است و در برخی مناطق هیچ نیروی امنیتی وجود ندارد.

برخی فعالان مدنی نیز تأکید دارند که براساس چشم‌دید و بررسی آنان، در دروازه‌های ورودی مهم شهر هم نیمه‌های شب پولیس حضور ندارد و رفت‌وآمدها به داخل شهر از سوی نیروهای امنیتی بررسی نمی‌شود.

فرماندهی پولیس هرات می‌پذیرد که در برخی موارد پولیس در مناطق شهری حضور ندارد و به تازه‌گی شخص فرمانده پولیس هرات، با امران شماری از حوزه‌های امنیتی و نیروهایی که در ایست‌های بازرسی و گزیمه‌های شبانه غفلت کرده‌اند، برخورد کرده است.

۷



برکناری وزیر صحت؛

## تقابل تازه‌های میان غنی و نور شکل گرفته است

۳

### تجارت تریاک سبب مرگ افراد زیادی در «دهکده بیوه‌ها» شده است

۷

### گرفتار در خصومت، ویران در جنگ

پاکستان در نیم‌قرن اخیر با ایجاد مدرسه‌های دینی و اردوگاه‌های آموزشی از بنیادگرایی به مثابه ابزار مداخله در امور افغانستان استفاده کرده است. بر اساس مستندات تاریخی، اولین بار پس از روی کار آمدن محمد داوود خان در کابل در سال ۱۹۷۳ میلادی، ذوالفقار علی بوتو اردوگاه‌های آموزشی را در منطقه رزمک وزیرستان و زیر نظر نصیرالله بابر تأسیس کرد. در جریان سال‌های ۱۹۷۲-۱۹۷۷ در این اردوگاه ۵۰۰۰ جنگ‌جوی بنیادگرا آموزش دیدند.

۴



### فرونشست کابل و مرگ زمین



کابل در حال فرونشست است. با این روندی که این شهر پیش می‌رود، در آینده‌ای نه چندان دور دچار خطر فرونشست وحشتناکی می‌شود. یک رابطه قوی بین تغییرات سطح آب زیرزمینی و فرونشست وجود دارد. خشک‌سالی و عمل‌کردهای ضعیف مدیریت آب، رشد سریع جمعیت و دهه‌ها بی‌ثباتی سیاسی باعث شده است که شهر کابل اخیراً دچار تنش آبی شود که بسته‌گی زیادی به برداشت آب‌های زیرزمینی دارد.

۸

### فوزیه کوفی:

### واقعیت‌های ۲۰ سال پسین افغانستان برای طالبان قابل هضم و درک نیست



جدید افغانستان را درک کنند و به این ترتیب برای زنده‌گی با همی آماده شوند. این عضو هیأت مذاکره‌کننده دولت از جانب دیگر گفت که اجماع برای برقراری صلح در کشور شکل گرفته است، اما نحوه پیش‌برد مذاکرات و حکومت پس‌اصلاح نیز به عنوان موضوع مورد اختلاف در حوزه جمهوری‌ت باقی

۸ صبح، کابل: فوزیه کوفی، عضو هیأت مذاکره‌کننده جمهوری اسلامی افغانستان می‌گوید که در جریان سه ماه مذاکره و گفت‌وگوهای مستقیم و غیرمستقیم با هیأت طالبان در قطر دریافت شده است که واقعیت‌های ۲۰ سال پسین افغانستان برای این گروه قابل «قبول، درک و هضم» نیست.

به گفته او، کثرت‌گرایی، تنوع گروه‌های اجتماعی، مدنی، سیاسی و قومی، آزادهای فردی و آزادی بیان از واقعیت‌های افغانستان است که هنوز هم طالبان نمی‌توانند آن را درک کنند.

خانم کوفی که روز جمعه، دوازدهم جدی در نشست زیر نام «چشم‌انداز صلح» در کابل صحبت می‌کرد، گفت که در مذاکرات صلح نمادها و ارزش‌ها اهمیت پیدا می‌کند و باید این نمادها و ارزش‌ها احترام شود.

او با بیان این‌که طالبان تنوع جامعه افغانستان را نمی‌پذیرند، تأکید کرد که تنوع و تکرر لازم یک جامعه انسانی است و طالبان آن را باید بپذیرند. خانم کوفی گفت که طالبان باید واقعیت‌های

### سه معدنچی در پی سقوط یک معدن زغال سنگ در سمنگان کشته شدند

۸ صبح، کابل: سه معدنچی که باشندگان ولایت دایکندی بوده‌اند، در پی سقوط یک معدن زغال سنگ در ولسوالی دره‌صوف بالای ولایت سمنگان جان باخته‌اند.

داوود کلکانی، والی سمنگان در صحبت با روزنامه ۸ صبح گفت که این معدن در منطقه شباشک ولسوالی دره‌صوف بالای سمنگان موقعیت داشت و روز گذشته (پنج‌شنبه، ۱۱ جدی) سقوط کرده است. طبق معلومات والی سمنگان، از اثر این حادثه سه تن جان باخته‌اند که باشندگان ولایت دایکندی بوده‌اند.

والی سمنگان گفت که این معدن مربوط شخصی به نام «حاجی حیدر» است و استخراج زغال سنگ از آن به صورت غیرقانونی صورت می‌گرفت.

هنوز علت سقوط این معدن مشخص نشده است. حوادث مشابه در ولسوالی دره‌صوف بالای ولایت سمنگان پیش از این نیز رخ داده است.

این ولسوالی دارای ذخایر سرشار زغال سنگ است. بیش‌تر زغال سنگ در این ولسوالی از سوی مردم به شیوه‌ی سنتی صورت می‌گیرد.







## رییس جمهور باید صلاحیت‌هایش را درست اعمال کند

تعیین وزرا به تأیید مجلس نمایندگان و سپس قبول استعفا و عزل آن‌ها از صلاحیت‌های رییس جمهور است. این صلاحیت در بند یازدهم ماده شصت و چهارم قانون اساسی به شخص رییس جمهور سپرده شده است. هم‌چنان در بند اول ماده شصت و ششم همین قانون تأکید شده است که رییس جمهور در اعمال صلاحیت‌هایش باید مصالح‌علیای مردم را رعایت کند. طبق صراحت بند سوم این ماده، رییس جمهور نمی‌تواند از مقام خود به ملحوظات لسانی، سمتی، قومی، مذهبی و حزبی استفاده کند.

ریاست عمومی اداره امور ریاست جمهوری در یازدهم جدی نامه‌ای به وزارت صحت عامه فرستاد که در آن از استعفا و عزل احمدجواد عثمانی از سمت این وزارت سخن رفته بود. طبق این نامه، رییس جمهور استعفانامه عثمانی را مطالعه و منظور کرده است. در ادامه نامه، موضوع استعفا به عزل تغییر کرده است. در نامه گفته شده است که احمدجواد عثمانی بر اساس حکم ریاست جمهوری از وظیفه عزل و برکنار شده است. علت آن هم فساد گسترده مالی گفته شده که زیر نظارت عثمانی در وزارت صحت عامه صورت گرفته است. اما بر اساس اعلام عثمانی، خبر استعفای او کذب است و او به رغم دو بار درخواست رییس جمهور تا هنوز استعفا نداده است. عثمانی برکناری خود را نوعی توطئه سیاسی خوانده است.

طبق آنچه گفته شد، تعیین وزرا، قبول استعفا و عزل آن‌ها از صلاحیت‌های رییس جمهور است. برای اعمال این صلاحیت باید احکام بندهای اول و سوم ماده شصت و ششم قانون اساسی نیز رعایت شود. با این وصف، اعمال فشار بر وزرا برای وادار کردن آن‌ها به استعفا، کار خلاف قانون است. هم‌چنان رییس جمهور نمی‌تواند از وزرا رسماً بخواهد که استعفا بدهند و او نیز استعفای آن‌ها را منظور کند. طبق احکام قانون، منظوری استعفای وزیری قانونی است که بدون اعمال فشار و یا درخواست رییس جمهور، حاضر به استعفا شده است. از این‌رو، درخواست رییس جمهور از عثمانی برای استعفا و یا وادار کردن او به این کار، نادرست و خلاف حکم قانون است. عزل وزرا از مصرح‌ترین صلاحیت‌های رییس جمهور در قانون اساسی است. هرگاه عثمانی تصمیمی به ترک وزارت صحت عامه نمی‌داشت، غنی نباید او را به خاطر استعفا زیر فشار قرار می‌داد. رییس جمهور به جای دو بار درخواست استعفا، بهتر بود مستقیماً حکم برکناری او را صادر می‌کرد. نکته دیگر آن است که موضوع استعفا با موضوع عزل یک وزیر بار حقوقی متفاوتی دارد. در بحث استعفا، پای اراده مستعفی برای کناره‌رفتن از وظیفه نیز در میان است، در حالی که در بحث عزل این‌گونه نیست. رییس جمهور تابع شرایطی می‌تواند وزیری را برکنار و عزل کند، بدون آن‌که توجهی به موافقت و یا مخالفت او نسبت به این تصمیم داشته باشد. با این حال، نمی‌توان از این دو امکان برای یک منظور استفاده کرد؛ یعنی هم استعفانامه وزیر را امضا کرد و هم حکم به عزل او داد. متأسفانه این کار غیرحرفه‌ای در نامه یازدهم جدی ریاست عمومی اداره امور ریاست جمهوری به وزارت صحت عامه دیده می‌شود. در نامه آمده است، هر مدیری که زیر نظارتش فساد گسترده صورت گیرد، باید خود را معزول بپندارد. روشن نیست که مبنای حقوقی این سخن چیست و چرا حکم برکناری عثمانی بر آن ایستاده است. هم‌چنان در نامه توضیح داده نشده است که چه فساد گسترده‌ای در وزارت صحت عامه رخ داده است که به موجب آن وزیر صحت عامه می‌بایست برکنار می‌شد. اگر موضوع مورد نظر همان ادعای فساد است که از سوی دادستانی کل و ریاست عمومی امنیت ملی در برابر چهار کارمند وزارت صحت عامه مطرح شده، این ادعا تا هنوز ثابت نشده است و بازداشت‌شده‌گان هم تا هنوز به جزا محکوم نشده‌اند. در کنار آن هیچ محکمه‌ای هم نگفته است که مقصر این فساد شخص وزیر است و باید در کنار محاکمه از وظیفه نیز سبک‌دوش شود. متأسفانه این بخش از حکم رییس جمهور نیز داری پشتوانه حقوقی نیست.

با توجه به موارد فوق، می‌توان چنین نتیجه گرفت که رییس جمهور در مسأله برکناری وزیر صحت عامه از صلاحیت‌هایش به شکل درست استفاده نکرده است. اولاً رییس جمهور حق ندارد رسماً استعفای وزیرش را بدون آن‌که خودش بخواهد، مطالبه کند. دوماً رییس جمهور برای عزل وزرایش باید دلایل محکمه‌پسند داشته باشد که متأسفانه در این مورد خاص ندارد. ادعای فساد گسترده‌ای که زیر نظارت عثمانی در وزارت صحت مطرح شده، هنوز ثابت نشده و برکناری او تنها با استناد به این ادعا یک کار نادرست است. ضمن آن‌که پیوند او با این اتفاق هم هنوز روشن نیست. به نظر می‌رسد که غنی تابع احساسات به عزل وزیر صحت عامه اقدام کرده است. این احساسات ممکن است ریشه در زودبندهای سیاسی داشته باشد و یا هم برخاسته از نیت او برای مبارزه با فساد باشد. در مورد اول، مطابق بند سوم ماده شصت و ششم قانون اساسی، رییس جمهور حق ندارد از مقام خود به ملحوظات لسانی، سمتی، قومی، مذهبی و حزبی استفاده کند. در مورد دوم، نیت مبارزه با فساد باید در روشنایی قانون جامه عمل بپوشد و قانون باید تمام مراحل مبارزه با فساد را مورد پوشش و حمایت قرار دهد. در غیر این صورت، این مبارزه می‌تواند نتیجه معکوس بدهد و به جای تأمین عدالت، باعث نقض آن شود.

## والی ننگرهار: ۱۸ عضو طالبان به شمول فرماندهان و شهروندان خارجی در حمله هوایی در پچیراگام کشته شدند



**۸صبح، ننگرهار:** ضیال‌الحق امرخیل، والی ننگرهار می‌گوید که در پی اجرای یک حمله هوایی توسط نیروهای افغان در ولسوالی پچیراگام این ولایت ۱۸ عضو گروه طالبان کشته شده‌اند که در میان‌شان فرماندهان «مهم و خارجی» نیز شامل هستند. امرخیل این مطلب را روز جمعه، دوازدهم جدی در توییتی مطرح کرده است. والی ننگرهار گفته است که این حمله شب گذشته در منطقه ولی‌ناو ولسوالی پچیراگام صورت گرفته است. به گفته او، کسانی که در این حمله کشته شده‌اند، برنامه حمله بر پاسگاه‌های نیروهای امنیتی را داشتند که هدف حمله‌ی هوایی قرار گرفتند. امرخیل افزوده است که این حمله هوایی از سوی نیروهای افغان اجرا شده است. والی ننگرهار هم‌چنان گفته است که در این حمله

## سه تن در نتیجه انفجاری در قندهار زخمی شدند



**۸صبح، قندهار:** در نتیجه یک انفجار در شهر قندهار سه تن به‌شمول یک غیرنظامی زخمی شدند. جمال ناصر بارکزی، سخنگوی پولیس قندهار گفت که این رویداد ساعت ۴:۰۰ عصر روز جمعه، دوازدهم جدی در شهرک عینو مینه، از مربوطات شهر قندهار رخ داده است. به گفته او، این انفجار بر فرمانده یک پوسته حوزه هفتم امنیتی شهر قندهار انجام شده است.

## ۱۰ بیمار کرونایی در شبانه‌روز گذشته در کشور جان باختند



**۸صبح، کابل:** طبق اعلام وزارت صحت عامه در شبانه‌روز گذشته ۱۰ بیمار کرونایی در کشور جان باخته و ۷۳ بیمار جدید نیز شناسایی شده‌اند. طبق اعلام وزارت صحت عامه، ابتلای ۷۳ بیمار پس از آزمایش یک هزار و ۲۱۸ نمونه‌ی مشکوک به ابتلا به کرونا تثبیت شده است. هم‌چنان در شبانه‌روز گذشته ۱۶۹ بیمار کووید-۱۹ بهبود یافته‌اند. با ثبت ارقام جدید، شمار کل بیماران کرونایی در کشور به ۵۲ هزار و ۵۸۶ تن رسیده است که از این میان دو هزار و ۲۱۱ تن جان باخته و ۴۲ هزار و ۱۷۵ تن دیگر بهبود یافته‌اند. در حال حاضر، هفت هزار و ۵۰۶ بیمار کرونایی در



## یک فعال مدنی در شهر کابل ترور شد

**۸صبح، کابل:** عابد جاهد، از فعالان مدنی ولایت بغلان شام روز پنج‌شنبه، یازدهم جدی در ناحیه هفدهم شهر کابل از سوی تفنگ‌داران ناشناس کشته شده است. پولیس کابل این رویداد را تأیید می‌کند. فردوس فرامرز، سخنگوی پولیس کابل، در صحبت با روزنامه ۸صبح گفت که عابد جاهد توسط تفنگ‌داران ناشناس در جاده بوستان کابل از مربوطات ناحیه هفدهم کشته شده است. به گفته فرامرز، پولیس کار روی بررسی این رویداد را آغاز کرده است. عابد جاهد، عضو رهبری شورای سراسری هزاره‌های اهل سنت افغانستان و از فعالان مدنی ولسوالی نهرین ولایت بغلان بوده است. محمدمحقق، رهبر حزب وحدت اسلامی مردم افغانستان نیز گفته است که او عضویت حزب به رهبری او را داشت. مسوولیت قتل عابد جاهد را فرد و یا گروهی بر عهده نگرفته است.

## داکتران ربوده‌شده در پروان از چنگ آدم‌ربایان نجات داده شدند



**۸صبح، پروان:** مسوولان امنیتی در ولایت پروان از رهایی دو داکتر کلینیک ایمرجنسی ولسوالی بگرام ولایت پروان از چنگ آدم‌ربایان خبر داده‌اند. این دو داکتر یک‌شنبه‌شب هفته جاری از سوی افراد ناشناس ربوده شده بودند. سلیم نوری، مسوول مطبوعات فرماندهی پولیس پروان در صحبت با روزنامه ۸صبح گفت که این داکتران پس از چاشت روز پنج‌شنبه، یازدهم جدی در نتیجه عملیات مشترک نیروهای امنیتی پروان و کاپیسا، از چنگ رباینده‌گان نجات داده شدند. به گفته نوری، این داکتران از منطقه شوخی ولایت کاپیسا از نزد رباینده‌گان رها شده‌اند. طارق آرین، سخنگوی وزارت امور داخله نیز گفته است که این دو داکتر با همکاری خانواده‌های‌شان از چنگ آدم‌ربایان آزاد شده‌اند. طبق معلومات آرین، رباینده‌گان در بدل رهایی این داکتران ۱۰۰ هزار دالر مطالبه کرده بودند. یک‌شنبه‌شب گذشته افراد مسلح ناشناس وارد کلینیک ایمرجنسی سرصیاد ولسوالی بگرام شدند و به بهانه معاینه بیمار دو داکتر را از کلینیک بیرون کشیده و ربوده بودند. با این حال، گفته شده است که آدم‌ربایان موفق شده‌اند که فرار کنند.



## برکناری وزیر صحت:

# تقابل تازه‌های میان غنی و نور شکل گرفته است



سیب‌پش

هم‌زمان با بحران کرونا در کشور، بحران تازه‌های اداری در وزارت صحت عامه شکل گرفته است. اداره امور ریاست جمهوری اعلام کرد که استعفای احمدجواد عثمانی، وزیر صحت عامه از سوی رییس جمهور غنی منظور شده است.

محمدشرف غنی، رییس جمهور کشور پس از بازداشت چهار کارمند وزارت صحت که گویا از وابسته‌گان وزیر بوده‌اند، این تصمیم را گرفت. اکنون به نظر می‌رسد که تقابل تازه‌های میان محمدشرف غنی، رییس جمهور کشور و عطامحمد نور، عضو کمیته رهبری شورای عالی مصالحه ملی شکل گرفته است. آقای نور تصمیم ارگ ریاست جمهوری را «عجولانه»، «حساسیت‌برانگیز»، «اهانت‌آمیز»، «مبتنی بر عصبیت قومی» و «شیوه دیکتاتوری» خواند و افزود که به این تصمیم «به بهای سنگینی» پاسخ می‌دهد. او در ادامه، این حرکت را «فراقانونی» توصیف کرد و گفت که پس از رأی‌زنی‌ها، اقدامات بعدی را برای «دفاع از حقوق شان و اعاده حیثیت» وزیر روی دست می‌گیرد. آگاهان حقوقی هرچند برکناری وزیر را از صلاحیت رییس جمهور می‌دانند، اما می‌گویند که سوق‌دادن کارمند به استعفا از نگاه حقوقی مشکل دارد. آگاهان صحتی اما معتقدند که باید سکتور صحت از زدوبندهای سیاسی بیرون و زمینه‌های رایبه خدمات صحتی به مردم فراهم شود. گفتنی است که وزیر صحت عامه از افراد نزدیک به عطامحمد نور شمرده می‌شود.

احمدجواد عثمانی، وزیر صحت عامه روز پنج‌شنبه، یازدهم عقرب از برکناری‌اش خبر داد. وی افزود که اداره امور ریاست جمهوری طی یک مکتوب رسمی برایش توضیح داده که از سمتش برکنار شده است. به گفته آقای عثمانی، او با وجود اصرار رییس جمهور غنی، هنوز استعفا نداده است. با این حال در بخشی از این مکتوب آمده است که آقای غنی پس از دریافت نامه وزیر صحت عامه پیرامون استعفایش، آن را منظور کرده است. در مکتوب آمده است: «استعفای وزیر صحت منظور است و هر مدیری که زیر نظارتش فساد گسترده واقع شود، مسوول است. اگر ابهامی وجود داشته باشد، خویش را معزول بپندارند». در اخیر مکتوب اما درج شده است که بنابر اساس حکم ریاست جمهوری، وزیر صحت عامه از وظیفه‌اش برکنار شده است.

آقای عثمانی هم‌چنان در یک ویدیو ظاهر شد و این موضوع را «توطئه سیاسی» خواند. او افزود که باید حکومت‌داری در کشور تقویت شود، اما این کار با یک چنین شیوه‌ای ممکن نیست. به گفته آقای عثمانی، رییس جمهور غنی روز چهارشنبه، دهم جدی از وی خواسته بود که از سمتش استعفا دهد؛ اما او این پیشنهاد را رد کرده است. با این حال رییس جمهور غنی در پایان روز پنج‌شنبه، یازدهم جدی به مقر وزارت صحت عامه رفت و با مسوولان در این وزارت دیدار کرد. او گفت که همه تغییرات و تعیینات در این وزارت بر اساس قانون صورت می‌گیرد و بدون امضای وی، فهرست همه مقرری‌ها بی‌اعتبار است. آقای غنی افزود: «اخیراً وضعیت پیش آمده در وزارت صحت عامه واقعا غم‌ناک و توهین به همه است. باید به قانون احترام شود و همه مسایل از طریق مراجع قانونی مورد تطبیق قرار گیرد، حق به‌حق‌دار برسد و کسانی که از قانون سرپیچی کرده‌اند، مجازات شوند».

رییس جمهور تأکید کرد که در این وزارت شخص سیاسی نمی‌آید، سرپرست تعیین می‌شود و یک مسوول مسلکی مدیریت را بر عهده می‌گیرد. او با تأکید بر ایجاد فضای هم‌کاری، هم‌دلی و هم‌بسته‌گی در وزارت صحت عامه، تصریح کرد که رفتارهای سلیقه‌ای صورت گرفته نمی‌تواند. به گفته آقای غنی، «معیارها واضح است» و «روند قرار دادهای شش ماه گذشته تجدید نظر می‌شود». محمدشرف غنی افزود که سیستم واضح مدیریت الکترونیکی منابع ایجاد می‌شود و پولیو و سایر برنامه‌های واکسن به داخل وزارت می‌آید و کارهای موازی متوقف می‌شود. به گفته رییس جمهور، پس

**احمدجواد عثمانی، وزیر صحت عامه روز پنج‌شنبه، یازدهم عقرب از برکناری‌اش خبر داد. وی افزود که اداره امور ریاست جمهوری طی یک مکتوب رسمی برایش توضیح داده که از سمتش برکنار شده است. به گفته آقای عثمانی، او با وجود اصرار رییس جمهور غنی، هنوز استعفا نداده است. با این حال در بخشی از این مکتوب آمده است که آقای غنی پس از دریافت نامه وزیر صحت عامه پیرامون استعفایش، آن را منظور کرده است. در مکتوب آمده است: «استعفای وزیر صحت منظور است و هر مدیری که زیر نظارتش فساد گسترده واقع شود، مسوول است.**

روزهای اخیر کوشش‌هایی صورت گرفته است، اما این تلاش‌ها در مقایسه با سایر کشورها «موفقیت چشم‌گیری نداشته است». به باور آقای حقل، افزایش میزان ابتلا به پولیو نیز دیگر موردی شمرده می‌شود که بیان‌گر مشکلات در سکتور صحتی کشور است. نوروز حقل گفت که هرچند حدود ۹۰ درصد از بیماری‌ها در داخل کشور قابل‌تداوی است، اما بیماران تلاش دارند که برای بهبودشان به خارج از کشور مراجعه کنند و این تلاش‌ها بی‌اعتمادی مردم به سکتور صحتی را نشان می‌دهد.

به گفته او، فساد در سکتور صحتی طی یک سال اخیر به اعتماد حکومت نزد جامعه بین‌المللی آسیب زده است. این آگاه صحتی می‌گوید که بیش‌تر وزارت‌ها بر اساس سیاست تقسیم شده و فنی‌سازی وزارت‌خانه‌ها می‌تواند روند کاری سکتورها را تقویت کند. او افزود که اقدام اخیر رییس جمهور غنی مبنی بر فنی‌سازی وزارت صحت عامه و برگزاری نشست‌های مخصوص مبارزه با کرونا، بیان‌گر توجه حکومت است و نیاز است در آینده سکتور صحتی در کنار سکتور تعلیمی از جنجال‌های سیاسی خارج شود.

دادستانی کل روز سه‌شنبه، نهم جدی اعلام کرد که چهار کارمند وزارت صحت عامه به اتهام فساد بازداشت شده‌اند. احمدشکران عثمانی برادر وزیر صحت عامه، کاوه سرمست‌زاده پسر کاکای وزیر، فریدون سلطانی مشاور پروژه کووید-۱۹ و حامد حمیدی مشاور مالی وزارت صحت عامه چهار فردی اند که از سوی دادستانی کل بازداشت شده‌اند. وزارت صحت عامه در پایان همان روز با نشر اعلامیه‌ای موضوع بازداشت این کارمندان را رد کرد و گفت که این افراد خود برای بررسی‌ها حاضر شده‌اند. در اعلامیه تصریح شده بود که وزارت صحت عامه با نهادهای مسوول در امر مبارزه با فساد هم‌کار است و هیچ‌گونه قربانیت خانوادگی را مانع اجرای عدالت و تطبیق قانون نمی‌داند.

این چندمین بار است که محمدشرف غنی و عطامحمد نور در تقابل هم قرار می‌گیرند. پیش‌تر دو طرف روی برخی از موارد اختلاف داشتند که سپس به کنار رفتن عطامحمد نور منجر شد. آقای غنی، در سال ۱۳۹۷ و پس از توافق با محمدشرف عثمانی، گفت که خواسته‌هایش پذیرفته شده و از سمتش کنار رفته است. با این حال، جنجال بر سر معرفی فرمانده امنیه بلخ سبب شد که اختلاف‌ها میان دو طرف بار دیگر شکل بگیرد. در ادامه و در جریان کارزارهای انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۹۸، هرچند عطامحمد نور بر بی‌طرفی‌اش تأکید کرد، اما افراد نزدیک به وی برای محمدشرف غنی کمپاین می‌کردند. گفتنی است که احمدجواد عثمانی از نزدیکان عطامحمد نور شمرده می‌شود و از سوی وی برای کرسی وزارت صحت عامه پیشنهاد شده بود.

خردمند تصریح کرد که قرار است موقت مجلس در مورد برخورد وزارت صحت عامه در کمیته رییس‌ان روشن شود و این کمیته در مورد داخل‌شدن یا نشدن این موضوع در آجندای نشست عمومی مجلس نماینده‌گان تصمیم خواهد گرفت. گفتنی است که مجلس تنها یک ماه پیش به احمدجواد عثمانی به عنوان وزیر صحت عامه رأی اعتماد داده بود.

**عزل از صلاحیت‌های رییس جمهور است؛ اما مجبور کردن به استعفا از نگاه حقوقی مشکل دارد**

آگاهان حقوقی نیز معتقدند که بر اساس مواد قانون اساسی، «عزل» وزیران از صلاحیت‌های رییس جمهور است. نصرالله استانکزی، آگاه حقوقی و استاد دانشگاه روز جمعه، دوازدهم جدی به روزنامه ۸صبح گفت که بر اساس ماده ۶۴ قانون اساسی، «عزل» مقامات عالی دولتی از صلاحیت‌های رییس جمهور است. او افزود که در این ماده به استثنای اعضای دادگاه عالی، قید زمانی برای حضور مقامات در کرسی‌ها درج نشده است. به گفته آقای استانکزی، همان‌گونه که رییس جمهور، وزیر را انتخاب و به مجلس نماینده‌گان معرفی می‌کند، همان‌گونه نیز می‌تواند او را «عزل» کند. در فقره یازدهم ماده ۶۴ قانون اساسی آمده است که «تعیین وزرا، دادستانی کل، رییس بانک مرکزی، رییس امنیت ملی و رییس سره میاشت به تأیید مجلس نماینده‌گان و عزل و قبول استعفای آن‌ها» از صلاحیت‌های رییس جمهور است.

با این حال، این آگاه حقوقی می‌گوید، در صورتی که وزیر صحت عامه از سوی رییس جمهور به استعفا مجبور شده باشد، این اقدام مشکلات حقوقی دارد؛ زیرا به باور آقای استانکزی، همان‌گونه که کار از جمله حقوق به شمار می‌آید، استعفا نیز از نظر حقوقی حق هر کارمند دولت است. او افزود که استعفا نباید دستوری باشد و در صورتی که ادعای وزیر صحت عامه درست باشد، این بحث از نگاه حقوقی مشکل دارد. گفتنی است که ابهامات در مکتوب اداره امور ریاست جمهوری هنوز موجود است؛ اما در پایان این مکتوب بحث «عزل» و «برکناری» با صراحت ذکر شده است.

**آگاهان صحتی: تغییر و تبدیل‌ها نباید روند خدمات صحتی را مختل سازد**

آگاهان صحتی معتقدند که تغییرات در اداره‌ها اصل است و روند تغییر و تبدیل نباید روند خدمات صحتی را مختل سازد. نوروز حقل، متخصص سیستم صحتی و استاد دانشگاه لندن به روزنامه ۸صبح گفت که جدا از ابعاد سیاسی این کار، تغییرات اخیر با توجه به مدیریت کرونا در افغانستان می‌تواند روند خدمات صحتی را بهتر سازد. او افزود که هرچند در

از این پروژه‌های بی‌هدف از میان برداشته می‌شود.

**تقابل مجدد غنی و عطا**

هم‌زمان با برکناری وزیر صحت عامه، تقابل تازه‌های میان محمدشرف غنی و عطامحمد نور، عضو کمیته رهبری شورای عالی مصالحه ملی شکل گرفته است. آقای نور روز پنج‌شنبه، یازدهم جدی در صفحه فیسبوک اقدام ارگ ریاست جمهوری را محکوم کرد. او نوشت: «ما در برابر هر اقدامی پیش از حکم محکمه عادلانه و اثبات حقیقت و در نتیجه تصمیم عجولانه، حساسیت برانگیز، اهانت‌آمیز و مبتنی بر عصبیت قومی و به شیوه دیکتاتوری صورت بگیرد، به بهای سنگینی پاسخ می‌دهیم».

او در ادامه روز جمعه، دوازدهم جدی برای دومین بار در این مورد موقف‌گیری کرد. آقای نور پس از دیدار با رییس شورای ولایتی بلخ، اعضای حزب جمعیت اسلامی و برخی دیگر از متنفذان، فرماندهان و شخصیت‌ها، بار دیگر به اقدام محمدشرف غنی واکنش نشان داد. او در صفحه فیس‌بوکش نوشت که در این دیدار در مورد «حرکت‌های فراقانونی و توهین‌آمیز با احمدجواد عثمانی» بحث شده است. آقای نور این اقدام را «اهانت بزرگ بر یک کتله عظیم و جریان سیاسی بزرگ مردم افغانستان» عنوان کرد. با این حال، او تصریح کرده است که پس از «مشوره»، «رأی‌زنی» و «تبادل افکار» تصمیم بر این شد که «به منظور دفاع از حقوق» و «اعاده حیثیت احمدجواد عثمانی» حمایت قاطع صورت گیرد. عطامحمد نور گفت که برای «اقدامات بعدی» دیدگاه‌ها را توحید می‌کند و به گونه «خون‌سرد» و «آرام» به پیش می‌رود. گفتنی است که آقای نور در جریان روزهای اخیر نیز بر برخی از موارد در حکومت انتقاد کرده است.

**مجلس: تصمیم ارگ عجولانه بود**

برخی از اعضای مجلس نماینده‌گان هرچند اقدام رییس جمهور را بخشی از صلاحیت‌های او می‌خوانند، اما تصریح می‌کنند که نیاز بود اول‌تر از همه قضیه فساد در وزارت صحت عامه روشن شود. حجت‌الله خردمند، نایب منشی مجلس نماینده‌گان روز جمعه، دوازدهم جدی به روزنامه ۸صبح گفت که جرم یک عمل شخصی است و باید پیش از تصمیم‌گیری، دست‌داشتن وزیر صحت عامه در موارد اتهامات فساد از سوی بسته‌گانش روشن می‌شد. او افزود که هرچند رییس جمهور صلاحیت دارد، اما اقدام اخیر علیه احمدجواد عثمانی به شمول «محاصره وزارت صحت عامه از سوی پی‌پی‌اس» و «گستاخی در برابر وزیر» در واقع بیان‌گر «شیوه نامناسب» بوده است.

این عضو مجلس افزود، اگر قرار باشد که رییس جمهور این‌گونه با قضایای فساد برخورد کند، باید موضوع کد ۹۱ نیز بررسی شود. با این حال، آقای



# گرفتار در خصومت، ویران در جنگ



نیز سیاست مشابه نسبت به پاکستان داشت. خانواده ذوالفقار علی بوتو پس از تحولات سیاسی در پاکستان، به افغانستان پناهنده شد. اعضای این خانواده در کنار دولت افغانستان علیه پاکستان فعالیت می‌کردند. همراه با مرتضی بوتو و شهناز بوتو (فرزندان ذوالفقار علی بوتو)، دیگر رهبران تجزیه‌طلب پشتون و بلوچ پاکستانی نیز در افغانستان پناه داده شده بودند. برنامه سربازگیری از ساکنان آن‌سوی خط دیورند از طریق رهبر حزب نشنل عوامی (خان عبدالولی خان) پس از خروج نیروهای شوروی از افغانستان در دستور کار دولت دموکراتیک افغانستان قرار گرفت.

مذاکرات صلح ژنو، میان افغانستان و پاکستان با میانجی‌گری سازمان ملل متحد آغاز شد. از آغاز تا ختم این مذاکرات که حدود شش سال زمان برد، پاکستان طرف اصلی مذاکره با افغانستان بود و در نهایت موافقت‌نامه‌های ژنو توسط وزیران خارجه دو کشور (عبدالوکیل، وزیر خارجه افغانستان و زین نورانی، وزیر خارجه پاکستان) امضا شد. این موافقت‌نامه‌ها اما نتوانست به جنگ افغانستان پایان دهد و فصل تازه در رابطه کابل و اسلام‌آباد بگشاید. در ماه اپریل سال ۱۹۹۲ که حکومت دموکراتیک افغانستان در حال سقوط و فروپاشی بود، اساس حکومت موقت در دوره انتقالی با تشکیل شورای پنجاه‌ویک نفری از سوی رهبران تنظیم‌های جهادی در بیست‌وچهارم همین ماه در پاکستان گذاشته شد.

پس از روی کار آمدن حکومت مجاهدین در کابل، به دلیل دخالت پیدا و پنهان پاکستان، طرف‌های درگیر در افغانستان نتوانستند یک حکومت فراگیر، همه‌شمول و مقتدر را اساس بگذارند. این‌جا بود که جنگ داخلی شدت گرفت و کابل به حمام خون مبدل شد. شکست حزب اسلامی و دیگر احزاب هم‌سو با آن از طرف دولت مجاهدین، سیاست‌مداران پاکستان را از این تنظیم‌ها ناامید کرد. این‌گونه بود که گروه طالبان با حمایت مستقیم پاکستان از درون مدرسه‌های دینی فعال در مناطق آن سوی دیورند در سال ۱۹۹۴ ظهور و در مدت کم‌تر از سه سال، امارت اسلامی را در کابل برقرار کرد.

در دوره جدید، با وصف آن‌که رابطه کابل و اسلام‌آباد در سطح دیپلماتیک ثبات بیش‌تری داشته، اما پاکستان همواره متهم به هم‌کاری با گروه‌های تندرو مخالف دولت افغانستان بوده است. مرگ ملا عمر، رهبر پیشین طالبان در پاکستان اتفاق افتاد و ملا اختر منصور، جانشین وی نیز در خاک این کشور کشته شد. هم‌چنان نیروهای امریکایی اسامه بن لادن، رهبر شبکه‌ی القاعده را در پناه‌گاشی در پاکستان کشتند. این اتفاقات نشان می‌دهد که رهبران گروه‌ها و شبکه‌های مخالف دولت افغانستان در پاکستان فعالیت داشته‌اند. هم‌زمان با این اتفاقات در پاکستان، چهره‌های برجسته دولتی در کابل، نسبت به سرزمین‌های آن‌سوی دیورند صحبت‌ها و موضع‌گیری‌هایی داشته‌اند که از سوی اسلام‌آباد مداخله‌جویانه تفسیر شده است. اتفاقاتی از این دست نشان می‌دهد که رابطه کابل و اسلام‌آباد هم در دوره جمهوری محمد داوود، هم در دوره دولت دموکراتیک افغانستان و هم در دوره پسا بن، تغییر آن‌چنانی را شاهد نبوده است. در دهه اخیر با وصف آن‌که پاکستان حرف از هم‌کاری در راستای استقرار صلح و ثبات در افغانستان زده، اما اقداماتی را روی دست نگرفته است که نشان دهد حرف و عمل پاکستان در قبال افغانستان یکی است.

**مدرسه‌های دینی و اردوگاه‌های آموزشی**  
 پاکستان در نیم‌قرن اخیر با ایجاد مدرسه‌های دینی



اسماعیل احسان

**پاکستان در نیم‌قرن اخیر با ایجاد مدرسه‌های دینی و اردوگاه‌های آموزشی از بنیادگرایی به مثابه ابزار مداخله در امور افغانستان استفاده کرده است. بر اساس مستندات تاریخی، اولین بار پس از روی کار آمدن محمد داوود خان در کابل در سال ۱۹۷۳ میلادی، ذوالفقار علی بوتو اردوگاه‌های آموزشی را در منطقه رزمک وزیرستان و زیر نظر نصیر الله بابر تأسیس کرد. در جریان سال‌های ۱۹۷۲-۱۹۷۷ در این اردوگاه ۵۰۰۰ جنگجوی بنیادگرا آموزش دیدند.**

اردوگاه‌های آموزشی از بنیادگرایی به مثابه ابزار مداخله در امور افغانستان استفاده کرده است. بر اساس مستندات تاریخی، اولین بار پس از روی کار آمدن محمد داوود خان در کابل در سال ۱۹۷۳ میلادی، ذوالفقار علی بوتو اردوگاه‌های آموزشی را در منطقه رزمک وزیرستان و زیر نظر نصیرالله بابر تأسیس کرد. در جریان سال‌های ۱۹۷۲-۱۹۷۷ در این اردوگاه ۵۰۰۰ جنگجوی بنیادگرا آموزش دیدند.

پس از آن در جریان حاکمیت دولت دموکراتیک افغانستان، اردوگاه‌های آموزشی شورشیان چند برابر شد و بسیاری از جنگ‌جویان تنظیم‌های جهادی در این اردوگاه‌ها آموزش نظامی دیدند و در برابر نیروهای دولت دموکراتیک افغانستان و اتحاد جماهیر شوروی نزدیک به یک‌ونیم دهه جنگیدند. گروه طالبان نیز از درون مدرسه‌ها و اردوگاه‌های آموزشی فعال در خاک پاکستان سر بیرون آورد. افراد این گروه در واقع پناهنده‌گان افغان بودند که در مدرسه‌های تندوران مذهبی در مناطق شمالی پاکستان تربیه شدند. رهبران طالبان با استفاده از احساسات دینی و قومی ساکنان دو سوی خط دیورند، جنگ‌جویان زیادی را گرد آوردند، از قندهار تا مزار جنگیدند و قرائت سخت‌گیرانه از اسلام را به اجرا گذاشتند.

سفر اخیر ملا عبدالغنی برادر به پاکستان و حضور او در یکی از مراکز آموزشی «شورشیان» یک‌بار دیگر نشان داد که اردوگاه‌های آموزشی و مدرسه‌های مذهبی هم‌چنان در مناطق آن سوی دیورند فعال است. پس از نشر ویدیوهایی که رهبران طالبان را در حال بازدید از این اردوگاه‌ها نشان می‌دهد، امرالله صالح، معاون اول ریاست جمهوری ادعا کرد که ملا برادر، معاون طالبان و رییس دفتر سیاسی این گروه در قطر، برای انجام سه‌کار به پاکستان رفته است. صالح، عیادت از جنگ‌جویان زخمی طالبان، الهام‌بخشیدن به دانش‌آموزان «ترور» و قدردانی از اسلام‌آباد برای حمایت گسترده از طالبان را سه هدف سفر ملا برادر به پاکستان عنوان کرده است. هم‌چنان وزارت خارجه کشور با نشر اعلامیه‌ای گفت که حضور علنی و فعالیت‌های عناصر شورشی افغان و رهبران آنان در قلمرو پاکستان، حاکمیت ملی افغانستان را آشکارا نقض می‌کند و سبب تداوم بحران و بی‌ثباتی در منطقه می‌شود و تأمین صلح پایدار در افغانستان را با چالش جدی مواجه می‌کند. به دنبال این اظهارات، وزارت خارجه پاکستان با نشر بیانیه‌ای که به نظر می‌رسد به سخنان امرالله صالح اشاره دارد، گفت که در مورد ادامه سخنان منفی افغان از یک مقام مشخص و نیز حلقه‌های غیررسمی افغان سرچشمه می‌گیرد، نگران هستیم. هم‌چنان وزارت خارجه پاکستان هشدار داد که اتهام‌زنی علنی، برای روند صلح افغانستان و تلاش‌های مشترک برای بهبود هم‌کاری‌های دوجانبه، زیان‌آور خواهد بود.

این موضع‌گیری‌ها نشان می‌دهد که هم‌کاری اسلام‌آباد و کابل تا این‌جای کار صادقانه نبوده است. شاید به همین دلیل است که پاکستان همانند سال‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ میلادی اکنون نیز از گروه‌ها و شبکه‌های مخالف دولت افغانستان حمایت می‌کند و در اردوگاه‌های آموزشی فعال در خاکش را نبسته است.

**هدف سیاسی درازمدت پاکستان در افغانستان**  
 گری سی شرون، عضو ارشد سازمان استخبارات مرکزی امریکا (سی‌آی‌ای) در کتابش «مأموریت سقوط» می‌نویسد که طی سال‌های اول دهه ۱۹۸۰

اگرچه پاکستانی‌ها در بیرون‌راندن شوروی‌ها از خاک افغانستان با امریکا هدف مشترکی داشتند، اما آنان برنامه‌های خاص خود را در معامله با گروه‌ها و تنظیم‌های جهادی دنبال می‌کردند. گری شرون هدف سیاسی درازمدت پاکستان در افغانستان را این‌گونه شرح می‌دهد: «تلاش برای کنترل افغانستان از سوی یک گروه پشتون‌محور و بنیادگرای مذهبی که بتواند آلت دست پاکستان واقع شود؛ توان خود را روی مسایل داخلی متمرکز کند، به اسلام‌آباد امکان دهد تا به بازار تجارت افغانستان و هم‌چنین به نفت و بازرگانی جمهوری‌های مسلمان‌نشین سابق اتحاد شوروی دسترسی داشته باشد و در نهایت بتواند امنیت مرزهای غربی پاکستان را تأمین کند.» (گری سی شرون، ۱۳۹۰: ۷۰).

شرون توضیح می‌دهد که همین اهداف باعث می‌شد تا اسلام‌آباد در مورد برخی از فرماندهان مجاهدین نسبت به دیگران تمایل بیش‌تر پیدا کند. او هم‌چنان می‌نویسد که عقاید بنیادگرایانه گلبدین حکمتیار با اهداف استراتژیکی پاکستان در افغانستان سازگار بود. به همین جهت به او و حزب اسلامی‌اش مقادیر قابل توجه پول نقد و مواد داده می‌شد و دیگر گروه‌ها به طور آشکارا مورد بی‌توجهی قرار می‌گرفتند.

پس از روی کار آمدن مجاهدین و آغاز جنگ‌های داخلی در افغانستان، پاکستان به حزب اسلامی و دیگر تنظیم‌های هم‌سو با آن به عنوان عوامل از دست رفته نگاه و روی جنبش نوظهور طالبان سرمایه‌گذاری را آغاز کرد. گروه طالبان همانند حزب اسلامی از دو ویژه‌گی مورد توجه پاکستان برخوردار بود: بنیادگرایی و پشتون‌محوری. بنا بر همین دو دلیل است که این گروه از آغاز شکل‌گیری تا هنوز، در رابطه سازمان‌یافته با پاکستان قرار دارد و در جریان این سال‌ها از سوی اسلام‌آباد حمایت شده است.

## نتیجه‌گیری

به نظر می‌رسد هنوز هم هدف سیاسی درازمدت پاکستان در افغانستان تغییر نکرده است. پاکستان از صلح افغانستان خواست‌های مشخص دارد. این کشور با ارسال پیام به یکی از چهره‌های سیاسی در کابل گفته است که اسلام‌آباد نمی‌تواند با جریانی به نام جبهه شمال کار کند؛ از این‌رو اگر فرد مورد نظر، با شرایط پاکستان کنار بیاید، در ساختار پساصلح گزینه اول اسلام‌آباد خواهد بود. سفر چند ماه قبل حکمتیار به دعوت رسمی مقامات پاکستانی به آن کشور، حمایت اسلام‌آباد از طالبان، فعالیت اردوگاه‌های آموزشی «شورشیان» در مناطق آن سوی دیورند و ارسال پیام به چهره‌های خاص با توجه به تعلق قومی آنان، نشان می‌دهد که دولت مستقر در اسلام‌آباد، به دنبال تشکیل ائتلافی مبتنی بر دو ویژه‌گی بنیادگرایی و پشتون‌محوری در افغانستان است. احتمالاً طالبان و حزب اسلامی به رهبری حکمتیار یک ضلع این ائتلاف و چهره‌های بروکرات پشتون، ضلع دیگر آن خواهند بود.

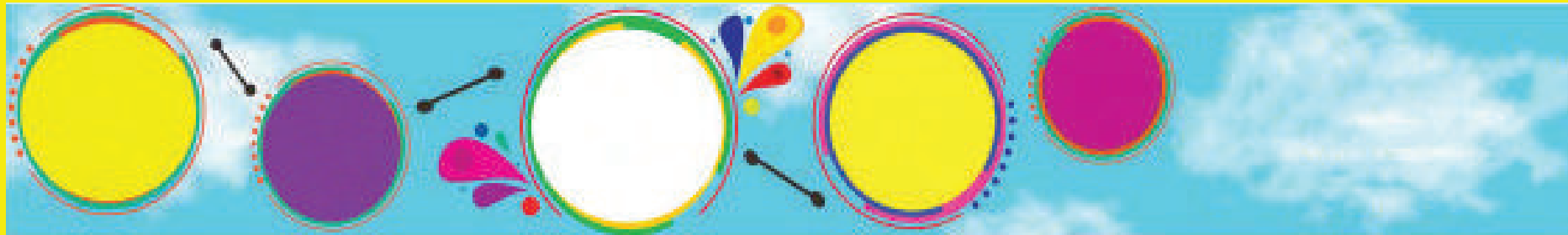
در سطح دیپلماتیک، پس از سفر عمران خان به کابل با آن‌که سند «دیدگاه مشترک پیرامون حمایت از صلح و ثبات دو کشور و منطقه» میان افغانستان و پاکستان به امضا رسید و روی این اصل توافق شد که دو کشور باید دیدگاه مشترک جدیدی را برای کمک به هم‌دیگر در راستای پیش‌برد صلح و برقراری ثبات در هر دو کشور و فراتر از آن، تدوین کنند، عمل کرده‌ها اما چیز دیگری را نشان می‌دهد. با مرور گذشته و اکنون رابطه کابل و اسلام‌آباد، روشن می‌شود که تغییر چندانی در نوع سیاست و نگاه پاکستان نسبت به افغانستان دیده نمی‌شود.

افغانستان از سال‌ها به این سو در یک خصومت و دشمنی بنیادبرانداز گرفتار بوده است و در یک جنگ اعلام‌نشده ویران. این خصومت، در سال ۱۹۴۷ میلادی با رأی منفی کابل در سازمان ملل متحد به پذیرش پاکستان مستقل از هند کلید خورد و با طرح داعیه پشتونستان‌خواهی از سوی داوود خان به اوج رسید. این خصومت در دوره‌های مختلف بر رابطه کابل و اسلام‌آباد سایه انداخته است. عمل کرده‌ها و رفتارهای پاکستان در دوره جدید نیز نشان می‌دهد که استراتژی و هدف سیاسی درازمدت آن کشور در افغانستان کماکان تاکنون دنبال می‌شود.

## منبع‌ها

۱. طنین، ظاهر، افغانستان در قرن بیستم (۱۹۰۰-۱۹۹۶)، ۱۳۸۴، انتشارات عرفان.
۲. عبدالوکیل، از پادشاهی مطلقه الی سقوط جمهوری دموکراتیک افغانستان، ۱۳۹۶، انتشارات عازم.
۳. آزاد، عبدالخالق، قوم باوری و دین‌پناهی سیاسی، ۱۳۹۸، انتشارات نسل نو.
۴. شرون، گری سی، مأموریت سقوط، ترجمه‌ی اسدالله شفاپی، ۱۳۹۰، مرکز مطالعات صلح و توسعه.





+93) 700 175 510 / +93) 788 788 799

جهت سفارش آگهی‌تان با شماره‌های روبه‌رو در تماس شوید:

سال سیزدهم  
قیمت: ۲۰ افغانی

روزنامه ۸ صبح برای توسعه کسب و کارتان صفحه‌ی ویژه تبلیغات ایجاد کرد. روزنامه ۸ صبح به هدف کمک و حمایت از توسعه مشاغل و تجارت، تبلیغات شما را با هزینه کم‌تر و کیفیت بهتر نشر می‌کند. این روزنامه یک صفحه‌ی ویژه تبلیغاتی را به همین منظور راه‌اندازی کرده است. در این صفحه‌ی ویژه به تناسب استطاعت شما فضا وجود دارد. ما با داشتن تیراژ بلند در نسخه‌ی چاپی و مخاطبان حد اکثری در پایگاه‌های مجازی‌مان آماده همکاری با مشاغل و کسب‌وکارهای مختلف هستیم تا تبلیغات شما را با مخاطبان خود به اشتراک بگذاریم.

# بهزاد فرنیچر



Email: behzad.dost@gmail.com 0781 700 000

بهزاد فرنیچر کیفیت بهتر

آدرس: چهارراهی بره‌کی، کابل، افغانستان

## مؤسسه نشر وازه

پیشرو در امور چاپ، نشر و پخش کتاب



دفتر مرکزی و فروشگاه ۱: کابل، کارته ۳، چهارراه پل سرخ، مارکت تجاری ملی، منزل پایین، نشر وازه  
فروشگاه ۲: کابل، پل سوخته، چوک شهید مزاری، مارکت محمدی، نشر وازه  
چاپخانه: کابل، شهرک امید سبز، فاز اول، چاپ وازه، پلاک ۲۲  
۰۷۸۰۷۴۷۴۲۳۰ - ۰۷۸۰۷۴۷۳۳۶۷

Vazha.Publication NashreVazha VazhaPub

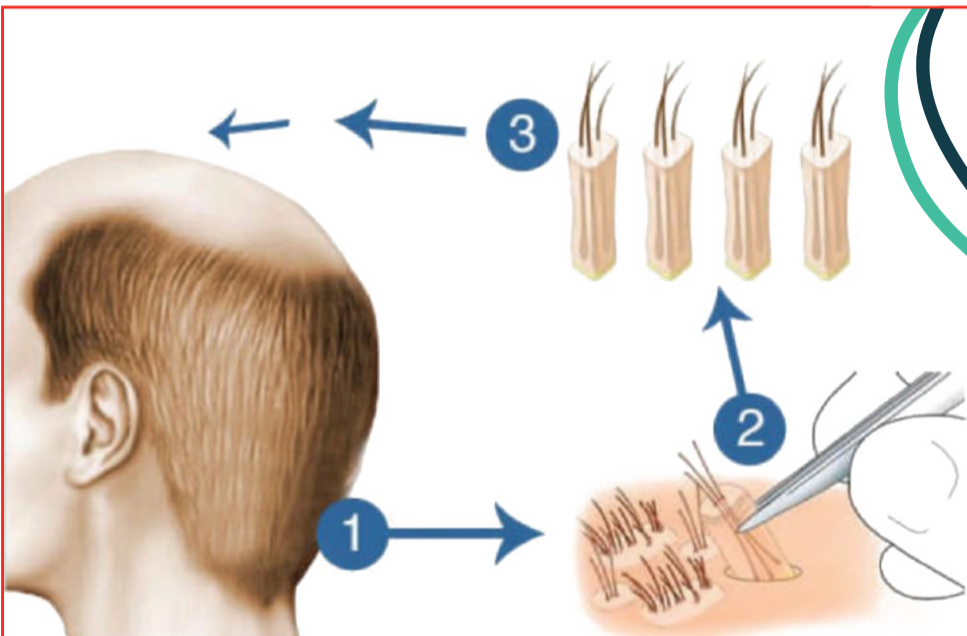
## شفاخانه آینه صحت

تخفیف ویژه  
۲۸۰۰۰ افغانی

کاشت مو طبیعی به روش FUE

کاشت مو یکی از تداوی‌های عمده و اساسی برای طاسی سر است. در این تداوی موها از ساحات عقب سر یعنی قسمت‌هایی که موها قوی‌تر هستند و مساعد به ریزش نیستند گرفته شده و به قسمت جلو سر یعنی جاهای خالی انتقال داده می‌شود. قبلاً هموطنان ما برای اجرای این عملیه مجبور به سفر به خارج از کشور بودند اما فعلاً این عملیه در داخل کشور با مصارف کمتر قابل اجرا است. تیم مرکز جلدی و زیبایی شفاخانه آینه صحت با سرپرستی داکتر پامیر حسین صالحی، داکتر میوند حبیب و داکتر وحیدالله عاشر، با در نظر داشت شرایط اقتصادی هموطنان ما کاشت مو را با کیفیت عالی و تخفیف ویژه انجام می‌دهد.

آدرس: بین چهارراهی پروان دوم و گل سرخ، شفاخانه آینه صحت  
شماره تماس: ۰۷۸۱۲۳۵۰۴۰



BARTARTECH  
INNOVATIVE & DIGITAL SOLUTIONS

شرکت خدمات IT  
برتر تیک

لیست بهترین خدمات ما



- طراحی وبسایت
- وب هاستینگ و ثبت دامین
- طراحی و توسعه دیتابیس
- ساخت برنامه‌های موبایل
- طراحی و پیاده سازی نتورک
- نصب کامره‌های امنیتی
- بازاریابی از طریق شبکه‌های اجتماعی
- گرافیک دیزاین (لوگو، بروشور، ویزیت کارت...)
- سنو (بالا بردن رتبه سایت در صفحه اول گوگل)

+93777690909 info@bartartech.com

+93787935900 www.bartartech.com کوته سنگی، گولابی دواخانه، کابل افغانستان

## نوی عدالت

Electric co.

پرچون

عمده

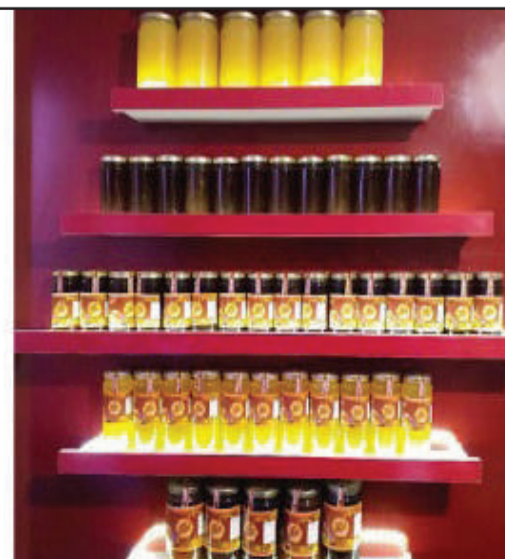
عرضه کننده هر نوع سامان آلات برقی، کیبل جات ایرانی و ترکی  
گروپ های کم مصرف LED گروپ های چارچی و بخاری های برقی  
با قیمت های مناسب در خدمت همشهریان عزیز قرار دارد



آدرس اول: کابل، کوته سنگی شروع پل هوایی جوار هتل آریانا کابل - مرکز تجاری نظیف  
آدرس دوم: کابل، کوته سنگی جوار کوچه حلبی سازی - مارکیت چهاردهی وال  
شماره های تماس: 0781776989 - 0744019820 - 0730784449

## فروشگاه عسل تاج

صحت و نشاط



پروفایل فروشگاه: www.baba.af/taj

تماس: ۰۷۴۴۳۸۱۳۷۰ / ۰۷۷۹۰۴۹۶۳۰

آدرس: کابل، کارته ۳، پل سرخ، جوار دروازه رضایی ستر



# جامعه‌شناسی سیاسی روحانیت افغانستان

ایومسلم خراسانی

روحانیت یکی از تأثیرگذارترین نیروی مشروعیت‌بخش و گفتمان‌ساز در مراوده‌های سیاسی - اجتماعی افغانستان بوده که در نبود نهادهای قدرت‌مند جامعه مدنی، روشن‌فکران و بوژوازی شهرنشین، حضور درشت و برجسته در دستگاه‌های شاهی، نظام سلطنتی، مشروطیت و جمهوریت داشته است. مزید بر این جامعه روستایی، توده‌های بی‌سواد ایل‌نشین و زنده‌گی قبیله‌ای از عوامل اجتماعی حضور پررنگ روحانیت در بدهستان‌های سیاسی و دستگاه‌های دولتی بوده است که تا امروز دوام دارد. این نوشته مدعی تبیین رابطه روحانیت با دستگاه‌های دولتی در افغانستان و نگاه سلطنت و دستگاه قدرت به نهاد روحانیت در این کشور است.

جامعه‌شناسی سیاسی در پی تبیین نقش نیروهای اجتماعی در زنده‌گی سیاسی است. از آن‌جا که در افغانستان روحانیت ریشه‌های تاریخی قدرت‌مند در سیاست به عنوان یک نیروی مشروعیت‌بخش تاریخی و گفتمان قدرت‌خواهی جدید دارد؛ این مقاله در پی آن است که روی‌کرد روحانیت به سیاست در درازنای تاریخی افغانستان را به کنکاش بگیرد و نگاه نظام‌های سیاسی نسبت به روحانیت را با استفاده از داده‌های تاریخی - جامعه‌شناسی تحلیل کند. انزواطلبی از سیاست و قدرت‌خواهی؛ دو روی‌کرد اساسی روحانیت در سیاست افغانستان بوده است.

## روحانیت مشروعیت‌بخش و سیاست‌گریز

از زمانی که در سال ۱۷۴۷ صابرشاه کابلی به عنوان یک روحانی، خوشه گندم را بر دستار احمدشاه ابدالی گذاشت تا یک امپراتوری بزرگ را اساس بگذارد، روحانیت به عنوان یک نیروی قدرت‌مند در افغانستان عرض اندام کرد. نخستین حاکمیت سیاسی در افغانستان امروز و خراسان قدیم، امپراتوری بود که احمدشاه ابدالی اساس گذاشت؛ امپراتوری که ابدالی در نامه‌ها و مکاتب رسمی‌اش از آن به نام «خراسان» یاد کرده است. مونت استوارت الفنستون، قوم‌پژوه و تاریخ‌نگار می‌نویسد که احمدشاه ابدالی حرمت ملاها و روحانیون را نگه می‌داشت و این عمل او صبغه عاطفی و سیاسی داشت؛ خودش اهل عرفان و تصوف بود و پیوسته آروز داشت که به مقام مرشدی برسد. (الفنستون، ۱۳۷۹: ۴۹۶).

احمدشاه ابدالی که بخشی از مشروعیتش را از روحانیت گرفته بود، میانه خوبی با این نهاد داشت و در روابط داخلی و سیاست‌های خارجی پیوسته از نفوذ و مشروعیت این قشر که در بین توده‌های ایل‌نشین و روستایی برجسته بود، استفاده می‌کرد. در تمام لشکرکشی‌های خارجی ابدالی به هند و سرزمین‌های هم‌جوار، روحانیت در بسیج توده‌های روستایی نقش اساسی داشت. با آن‌که لشکرکشی‌های ابدالی بُعد اقتصادی برجسته داشت تا نمودارهای دینی، اما این قشر روحانیت بود که مهر تأیید دینی بر این حمله‌های خونین می‌زد، توده‌ها را از لحاظ روانی در خدمت شاهان می‌گذاشت و برعکس شاهان به روحانیون احترام می‌کردند و امتیازات سیاسی و اقتصادی در اختیار آنان قرار می‌دادند.

پسران و نواده‌گان احمدشاه ابدالی هرچند بر سر تقسیم قدرت سینه و چشم هم‌دیگر را شکافتند، اما هر کدام با روحانیت رابطه توأم با احترام داشت و برعکس روحانیون مشروعیت آن‌ها را تأمین می‌کردند. تا سال ۱۸۸۰ میلادی که امیر عبدالرحمان خان سایه استبداد خود را بر افغانستان گستراند، روحانیون جایگاه بلند نزد رژیم‌ها و سلطنت‌ها داشتند و از سویی هم به عنوان عامل مشروعیت‌بخش عمل و از دخالت در امور سیاسی گریز می‌کردند. از همین جهت است که در تمام درگیری‌هایی که تا پیش از قرن بیستم در افغانستان بر سر تاج و تخت صورت گرفته، روحانیت به عنوان یکی از نیرومندترین قشر اجتماعی، نقش کم‌تری داشته است. این مهم می‌رساند که روحانیت سنتی نمی‌خواست در زدوبندهای سیاسی بین شهزاده‌ها دخیل باشد و دست خود را به سیاست آلوده کند.

عبدالرحمان خان مشروعیت‌بخشی روحانیت را با اقدامات خود تضعیف کرد. او خود را نماینده حاکمیت خدا در افغانستان دانست و این‌طور برخلاف شاهان قبلی راه متفاوتی را پیمود. عبدالرحمان مشروعیت سلطنت خود را با آسمان بست و با احترام به روحانیت و ملاها، زمینه‌های حضور سنتی آنان را تضعیف کرد. تاریخ‌نگاران می‌نویسند که عبدالرحمان خان در یک روز، هشتاد ملای پرنفوذ را در کابل اعدام و این اقدام او چنان ترس را در دل روحانیت ایجاد کرد که دیگر کسی یارای مقابله با او را نداشت. با این پیشینه تاریخی، پرسش اساسی این است که چرا روحانیت سنتی افغانستان تا قرن بیستم نمی‌خواست به صورت مستقیم در سیاست حضور داشته باشد و از مشروعیت‌بخشی سنتی به گفتمان غالب قدرت تبدیل شود؟ در این زمینه،



دو عامل اصلی در کنار عوامل و مولفه‌های دیگر وجود داشته است.

## شکاف دولت و روحانیت

در اواخر حکومت امیر عبدالرحمان، نقش روحانیت تضعیف شد. بارفیلد می‌نویسد که عبدالرحمان خان ظاهراً به حکومت ناب اسلامی تأکید می‌کرد، در حالی که به طور بنیادین یک حکومت سکولار را به میان آورد که بر تشکیلات مذهبی غلبه داشت. (بارفیلد، ۱۳۹۶: ۲۴۴). بعد در زمان حبیب‌الله، تأسیس نخستین مکتب خارج از دایره ملاهای سنتی و تغییرات بنیادین دیگر، نقش ملاها را در نظام‌ها محدود ساخت و این فکر را ایجاد کرد که باید روحانیون سنتی افغانستان متحد شوند. جنگ‌های افغانستان و انگلیس و مفهوم جهاد در زمان امیر دوست‌محمد خان و امیر عبدالرحمان خان، روحانیت را واداشت تا در رابطه خود با سیاست و نظام‌های سیاسی بازنگری و تجدید نظر کند و از نقش قبلی خود به دوره جدید پا بگذارد.

وقتی امان‌الله، شاه نوگرا زمام امور کابل را به دست گرفت، در گام نخست جهت مقابله با انگلیس‌ها و انسجام در محور خود، از روحانیت استفاده سیاسی کرد و روحانیون نیز به نظریه پان‌اسلامی و ناسیونالیستی او دل خوش کردند؛ اما به تعبیر کبیر صالحی «ماه عسل» روحانیت و امان‌الله خان کوتاه بود. اقدامات امان‌الله برای روحانیت مشروعیت‌ستیز و سرمایه‌سوز واقع شد و در مدت زمان اندک هم‌یاری آن‌ها به هم‌آوردی خشونت‌بار



## در اواخر حکومت امیر عبدالرحمان،

### نقش روحانیت تضعیف شد.

### بارفیلد می‌نویسد که عبدالرحمان

### خان ظاهراً به حکومت ناب اسلامی

### تأکید می‌کرد، در حالی که به طور

### بنیادین یک حکومت سکولار را به

### میان آورد که بر تشکیلات مذهبی

### غلبه داشت. (بارفیلد، ۱۳۹۶:

### ۲۴۴). بعد در زمان حبیب‌الله،

### تأسیس نخستین مکتب خارج از

### دایره ملاهای سنتی و تغییرات

### بنیادین دیگر، نقش ملاها را در

### نظام‌ها محدود ساخت و این فکر را

### ایجاد کرد که باید روحانیون سنتی

### افغانستان متحد شوند. جنگ‌های

### افغانستان و انگلیس و مفهوم جهاد

### در زمان امیر دوست‌محمد خان و

### امیر عبدالرحمان خان، روحانیت را

### واداشت تا در رابطه خود با سیاست

### و نظام‌های سیاسی بازنگری و

### تجدید نظر کند و از نقش قبلی خود

### به دوره جدید پا بگذارد.

که منجر به براندازی دولت توسعه‌پسند شد، چرخش نمود. هرچه شکاف روحانیت سنتی افغانستان با شاهان عمق بیش‌تر گرفت، رجوع روحانیون به سیاست‌کردن و سیاسی‌شدن روحانیت و مذهب در افغانستان بیش‌تر شد. شاید شکاف بین دولت‌ها و روحانیون یکی از عمده‌ترین دلایل سیاسی‌شدن روحانیت بود که این نهاد را انسجام بخشید و در تقابل همیشه‌گی با دولت‌ها قرار داد. سیاسی‌شدن که بسی ویران‌گر و زبان‌آفرین بود و در این مقاله به بررسی گرفته شده است.

## تحولات جهانی و زایش اسلام سیاسی

سقوط خلافت عثمانی به عنوان چتر سیاسی جهان اسلام، ورود اندیشه اسلام سیاسی از دانشگاه الازهر به مثابه یک گفتمان که راه قدرت‌طلبی روحانیت را هموار کرد و این قشر را مأمور برپایی حکومت الهی در افغانستان می‌دانست، گسترش استعمارگرایی، فلاکت

در کشورهای اسلامی و شیوع کمونیسم که به تعبیر روحانیت دین‌ستیز و الحادگستر بود؛ از مولفه‌ها و عواملی بود که از بُعد جهانی روحانیت افغانستان و نسبت این قشر با دستگاه‌های دولت و سیاست را دچار دگرذیسی و بازیابی کرد. بعدها، در اواخر قرن بیستم روحانیون و ملاهایی که کمر بستند تا قدرت را به دست بگیرند و به جای مشروعیت‌بخشی به گفتمان قدرت‌خواهی تبدیل شوند، یا در دانشگاه الازهر درس خوانده و یا متأثر از اسلام سیاسی و جریان اخوان‌المسلمین بودند که در مصر زایده شده است.

عبدالرحمان خان با سیاست «درهای بسته» مانع ورود اندیشه‌های جدید در افغانستان شد؛ اما وقتی حبیب‌الله روی قدرت آمد، با سیاست‌های فرهنگی، آزادی زندانیان سیاسی و برقراری رابطه با کشورهای بیرونی از یک‌سو و زایش جریان روشن‌فکری و نهضت مشروطیت از سوی دیگر به انسجام ملاها و روحانیون کمک کرد و این‌طور بعدها سنت مشروعیت‌بخشی را به گفتمان غالب قدرت‌خواهی تبدیل نمود و ملای سنتی را به میز سیاست کشاند. این روند تاریخی - سیاسی تعامل، گسست و تقابل روحانیت سیاست‌گریز سنتی افغانستان بود که در مقاطع تاریخی روی‌کردهای متفاوت با نهاد سیاست و شاهان در افغانستان داشت. اقدامات امان‌الله روحانیت را انسجام بخشید و تحولات جهانی آن را سرعت داد. تقابل کمونیست‌ها با روحانیت، این نهاد را به گفتمان غالب سیاسی و قدرت‌خواهی مبدل کرد؛ نهادهی که اکنون قدرت فراگیر در روندهای سیاسی افغانستان دارد.

## روحانیت سیاسی و تقابل آن با دولت‌ها

روحانیت قدرت‌طلب اسلام سیاسی پیشینه اندک در درازنای تاریخی افغانستان دارد. این قشر بعد از نیمه دوم قرن بیستم، رنگ و بوی برجسته به خود گرفت و رفته‌رفته به گفتمان غالب مبدل شد. در بخش روحانیت سنتی سیاست‌گریز تبیین شد که چطور این قشر با دولت‌های پیشا‌امانی تعامل داشت و چه زمان دچار گسست و تقابل شد. تضاد واقعی روحانیت با دولت در زمان امان‌الله خان به وجود آمد؛ اما تا دهه دموکراسی و تأسیس نخستین احزاب سیاسی، روحانیت انسجام کم‌تر نسبت به دهه‌های بعد داشت. همان‌طور که یورگن تودنهورف، روزنامه‌نگار آلمانی و نویسنده کتاب معروف «صلح رویایی من» می‌نویسد که تروریسم پاسخ جنگ‌های ناعادلانه غرب است، به همان‌سان قدرت‌خواهی شدید و انسجام روحانیت پاسخ به احزاب چپ در افغانستان بوده است که به یک روزه می‌خواستند افغانستان مدرن شود و مردم از عقاید سنتی خود دست بردارند.

هرچند روحانیت بعد از براندازی نظام امانی روحیه قدرت‌طلبی مضاعف پیدا کرد، اما تا کودتای داوود خان در سال ۱۳۵۲ گاهی در تعامل و زمانی هم در تقابل با دولت‌ها قرار داشت. مصاحبان، روی‌کرد نرم در برابر روحانیت پیشه و در تعامل از روی اجبار با این قشر دست و پنجه نرم می‌کردند. ظاهر شاه نیز با تغییراتی که در افغانستان آورد، گاهی روحانیت را برمی‌انگیخت؛ اما با سیاست نرمش نمی‌خواست در تقابل واقعی با این قشر قرار گیرد. چون می‌دانست که روحانیت چماق تکفیر و توان برانگیختن احساسات دینی توده‌های روستانشین بی‌سواد را دارد و از درافتادن با روحانیون قدرت‌طلب که اسلام سیاسی از نظر تیوری راه رسیدن آن‌ها به قدرت را هموار کرده بود، خودداری می‌کرد تا مبادا برایش چالش خلق شود.

با وجود آن‌که نظام‌های پسا امانی همه می‌خواستند با روحانیت درنیفتند، اما این قشر در تقابل همیشه‌گی با آن‌ها قرار داشت و در اواخر حکومت داوود و اوایل رژیم کمونیست‌ها بود که رابطه روحانیت و دولت کمونیستی به مرحله بحرانی خود رسید و این‌طور تقابل نسبی به تضاد واقعی انجامید. بعد از دولت امانی، رژیم کمونیستی دومین دولتی بود که توسط روحانیت ساقط و زمینه‌های شورش، انقلاب و هرج‌ومرج فراهم شد. شورش‌های روستایی که اکثراً رهبری آن‌ها را روحانیون به دوش داشته و تقریباً به عنوان مولفه غالب

در فرهنگ سیاسی افغانستان بدل گشته است. شرح رگه‌های نخست سیر تاریخی سیاسی‌شدن روحانیت در بالا رفت؛ اما پرسش اساسی این است که چگونه روحانیت به گفتمان غالب مبدل شد؟ روی‌کرد دولت‌ها، تحولات جهانی و مسأله تقابل با کمونیسم چقدر در این زمینه موثر بوده است؟

## کمونیست‌ها و روحانیت؛ از تقابل تا شورش

کمونیست‌ها روی‌کرد سخت‌گیرانه و ضدیت محض با روحانیت را اساس گذاشتند. آن‌ها تحت عنوان «ضد انقلاب» و «اشار» در پی حذف فیزیکی روحانیت به عنوان قشری که در جامعه فربه شده بود، برآمدند و این‌طور روحانیت را بر علیه دولت بسیج کردند. این بار روحانیت نیامده بود که رژیم کمونیست‌ها در کابل را سقوط دهد و به جای آن حکومت جدید از تکنوکرات‌ها یا شاهان سابق افغانستان را بنا کند؛ بلکه کمر بسته بود که خود «حکومت اسلامی» را اساس بگذارد و در رأس آن قرار گیرد. این روحانیت مانند روحانیت سنتی، مشروعیت‌بخش نبود؛ بلکه روحانیت اسلام سیاسی قدرت‌طلب بود که برای به دست‌آوردن قدرت و اعمال حاکمیت در افغانستان تلاش می‌کرد. اصلاحات شتاب‌زده و ضد مذهبی کمونیست‌ها و کودتای آن‌ها در برانگیختن این فکر که روحانیت نیز با انقلاب و شورش می‌تواند زمام امور را به دست گیرد، خیلی موثر بود. تا جایی که گفته می‌شود اگر کودتای کمونیست‌ها و ضدیت، تقابل و کشتار آن‌ها نبود، هرگز روحانیت به این خشونت‌گستری و قدرت‌خواهی در افغانستان نمی‌رسید و نمی‌توانست به گفتمان غالب در افغانستان مبدل شود. در مقابل ضدیت و کشتار کمونیست‌ها، روحانیت در گام نخست مشروعیت دینی رژیم جدید را به تحلیل برد و در قدم دوم به براندازی آنان کمر بست. این بار اسلام سیاسی راه و روش حکومت‌داری را از نگاه تیوری به روحانیت داد تا شاید مدینه فاضله مورد نظرش را خلق کند. مدینه فاضله خلق نشد. حکومت کمونیستی سقوط کرد و جنگ‌های درون‌گروهی پیکارجویان مجاهد که عمدتاً روستانشین بودند و تجربه دولت‌داری نداشتند، آغاز شد. حکومت مجاهدین و امارت طالبان که بعدها با بنیادگرایی و خشونت بیش‌تر روی‌کار آمد، از رژیم‌هایی بود که توسط روحانیت قدرت‌طلب اسلام سیاسی اداره می‌شد. به همان‌سان که کمونیست‌ها مخالفان مذهبی خود را ریشه‌کن کردند، به همان‌سان روحانیت قدرت‌طلب مخالفان سیاسی‌شان را به رگ‌بار بستند تا دیگر نفس نکشند. جان استوری، پژوهش‌گر تاریخ کمونیست‌ها می‌نویسد که این رژیم به مقدسات مردم توهین روا داشت و یک‌شبه می‌خواست راه صد ساله مدرنیته اروپا را در افغانستان طی کند.

## حمایت‌های جهانی از روحانیت سیاسی

در قرن بیستم، امریکایی‌ها به گونه بی‌سابقه از روحانیت برای مقابله با موج رو به گسترش کمونیسم در آسیا و افغانستان حمایت کردند. این حمایت جهانی، از یک طرف بسیج و انسجام روحانیت را در پی داشت و از سوی دیگر روی‌کرد این قشر نسبت به قدرت را تغییر داد. در افغانستان، امریکایی‌ها با هم‌کاری سعودی از روحانیت پشتیبانی سیاسی، نظامی و اقتصادی کردند. آن‌ها در سطح بین‌المللی از روحانیت حمایت همه‌جانبه کردند. در واقع، رویای به دست‌آوردن قدرت توسط روحانیت در افغانستان را امریکا و پاکستان به حقیقت مبدل کردند. این‌گونه روحانیت در دو بُعد، یکی به عنوان نیروی مشروعیت‌بخش و دیگر به عنوان گفتمان قدرت‌خواهی در افغانستان عرض اندام کرد. امروز نیز روحانیونی که در قالب طالبان در برابر جمهوریت کابل، شمشیر از نیام بیرون کشیده‌اند و خیال ساقط کردن آن را در سر می‌پروراندند، از طرف کشورهای بیرونی حمایت مالی می‌شوند.

به طور خلاصه می‌توان گفت که نبود نهادهای قدرت‌مند دیگر در جامعه افغانستان، عمل‌کرد واکنشی و روی‌کرد ضدیت کمونیست‌ها با روحانیت، حمایت گسترده بیرونی در قرن بیستم از این قشر، زایش اسلام سیاسی و حکومت اسلامی از مولفه‌هایی است که روحانیت را در محراق گفتمان قدرت در افغانستان کشاند و روند تماس، تقابل و شورش را در این سرزمین رقم زد.

## منبع‌ها

- الفنستون، مونت استوارت، ۱۳۷۹، افغانان؛ جای، فرهنگ و نژاد، ترجمه‌ی محمداصف فکرت، انتشارات بنیاد پژوهش‌های اسلامی، تهران.
- بارفیلد، توماس جفرسون، ۱۳۹۶، تاریخ فرهنگی - سیاسی افغانستان، ترجمه‌ی عبدالله محمدی، انتشارات عرفان، کابل.
- صالحی، عبدالکبیر، ۱۳۹۸، روحانیت و شاه امان‌الله خان؛ از هم‌یاری تا هم‌آوردی، انتشار الکترونی، هرات.



## نیمه‌شب‌های هرات؛

# مردم بیدار و پولیس در خواب!



محمد حسین نیکخواه

پولیس هرات، در صحبت با روزنامه ۸ صبح می‌گوید که شخص فرمانده پولیس هرات، نیمه‌های شب با حضور در سطح شهر و ولسوالی‌ها، از وضعیت امنیتی و حضور پولیس نظارت می‌کند. به گفته او، به تازه‌گی فرمانده پولیس هرات با شماری از نیروهای پولیس و آمران حوزه‌های امنیتی که در تأمین امنیت و انجام گزیمه‌های شبانه کوتاهی کرده بودند، برخورد کرد و هشدار داد که نباید در تأمین امنیت غفلت شود.

از جانب دیگر، سیدوحید قتالی، والی هرات، می‌گوید او زمانی نگران عدم حضور شب‌هنگام نیروها در سطح شهر بود، اما مقام‌های امنیتی وی را قناعت دادند که براساس برنامه‌های امنیتی، گزیمه‌های سیار را برای تأمین موظف کرده‌اند.

والی هرات می‌گوید: «یک شب بسیار انتقاد کردم، اما امنیتی‌ها من را قناعت دادند که تا پاسی از شب که تردد زیاد است، چک‌پاینت/ایست بازرسی دارند و از آن به بعد کار اوپراتیفی می‌کنند و گزیمه‌های پیاده و گزیمه‌های موترسایکلی داخل محلات دارند.» به گفته او، براساس ارزیابی نیروهای امنیتی حدود ۹۰ درصد رویدادهای امنیتی در هرات، در اوقات مزدحم روی داده و در نیمه‌های شب هیچ‌وقت و هیچ‌گونه ترددی را مخالفان مسلح دولت در سطح شهر نداشتند، اما در ولسوالی‌ها برخی تحرکات در شب صورت گرفته است. با این‌همه، در سکوت نیمه‌شب‌های هرات، زمانی که مردم در خیابان‌های خلوت و سوت‌و‌کور بیدار هستند و رفت‌وآمد می‌کنند، پولیس که وظیفه‌اش تأمین امنیت و مهار جرایم است، در بیش‌تر بخش‌های شهر خواب بوده و شهری به بزرگی هرات، شب‌ها به حال خودش رها است.

برخی فعالان مدنی در هرات، پافشاری دارند که چشم‌دید آنان نیز نشان می‌دهد که پولیس نیمه‌شب‌ها در مناطق مرکزی و دروازه‌های ورودی شهر حضور ندارد. سیداشرف سادات، از فعالان مدنی هرات، به روزنامه ۸ صبح می‌گوید که این مسأله سبب نگرانی شدید هراتیان شده است. او روایت می‌کند که همین چند شب پیش، نیمه‌های شب از ولسوالی گذره به سمت مرکز شهر حرکت کرده، اما در منطقه پشتون‌پل، از مهم‌ترین دروازه‌های ورودی که شهر هرات، ولسوالی انجیل و ولسوالی گذره را به بزرگراه هرات - کابل وصل می‌کند، ایست بازرسی وجود نداشته است. این فعال مدنی می‌افزاید که نیروهای پولیس آغاز شب در چوک‌ها و چهارراهی‌ها حضور دارند، اما در نیمه‌های شب نظارتی بر ورود و خروج افراد از دروازه‌های هرات و رفت‌وآمد در مناطق شهری وجود ندارد.

آقای سادات می‌افزاید که فرمانده پیشین پولیس هرات، در نشست با فعالان مدنی گفته بود که از میان حدود چهارهزار و ۵۰۰ نفر تشکیل پولیس در این ولایت، حدود ۱۵۰۰ نفر سرگرم کارهای حاشیه‌ای و تأمین امنیت افراد برجسته هستند و حدود دوهزار و ۹۰۰ نفر برای تأمین امنیت مردم موظف‌اند.

فرماندهی پولیس هرات می‌پذیرد که در برخی موارد نیروهای پولیس و آمران حوزه‌های امنیتی در اجرای گزیمه‌های شبانه و حضور در مناطق شهری غفلت می‌کنند، اما براساس برنامه‌ریزی‌های امنیتی، تمام مناطق شهر باید از سوی گزیمه‌های سیار و ایست‌های بازرسی شبانه پوشش داده شود.

عتیق‌الله وثیق، سرپرست دفتر رسانه‌های فرماندهی

ایست بازرسی و گزیمه شبانه وجود نداشت. چند دقیقه گذشت، به دروازه ورودی قدیم شهر رسیدیم؛ منطقی‌ای که از سال‌ها به این‌سو به نام «پسته نمبر یک» مشهور است. همین چند ماه پیش بود که در این محل، از سوی فرماندهی پولیس هرات، ساختمان یک پاسگاه جدید بنا شد، اما در این‌جا هم خبری از پولیس و ایست بازرسی نبود.

در ادامه مسیر، به منطقه «تانک مرکز» رسیدیم؛ جایی در چند متری اقامت‌گاه فرمانده پولیس هرات. باز هم پولیس و ایست بازرسی وجود نداشت. در امتداد همین مسیر به مقابل ساختمان ولایت هرات رسیدیم. در کمال ناپاوری، باز هم چیزی به نام پولیس نبود و کسی به رفت‌وآمد موتورها کاری نداشت. در خیابان مرکزی شهر، از مقابل ساختمان ولایت به سمت مرکز شهر حرکت کردیم. در چهارراهی‌های معارف، آمریت، و چوک سینما، اثری از گزیمه‌های شبانه نبود و کسی برای تأمین امنیت مردم و بررسی موتورها حضور نداشت.

تنها در چوک گل‌ها یک موتر رنجر پولیس بود که چند نیروی پولیس داخلش نشسته بودند و اصلاً به رفت‌وآمد موتورها کاری نداشتند و نمی‌پرسیدند که چه کسی از کجا می‌آید و به کجا می‌رود؛ گویی در نیمه‌های شب هرات، مردم بیدار و پولیس در خواب است!

از مقابل موتر پولیس در چوک گل‌ها گذر کردیم. در مناطق چوک شهرنو، دروازه ملک و خواجه کله، جایی که در آن ده‌ها مسافر‌خانه موقعیت دارد و صدها مسافر که بیش‌ترشان افراد بازگشتی از ایران هستند رفت‌وآمد دارند، باز هم پولیس حضور نداشت.

**۸ صبح، هرات؛** بررسی روزنامه ۸ صبح نشان می‌دهد که پولیس شب‌هنگام در بسیاری از مناطق مرکزی و دروازه‌های ورودی شهر هرات حضور ندارد. براساس بررسی‌هایی که از وضعیت شهر هرات توسط روزنامه ۸ صبح صورت گرفته است، حضور نیروهای پولیس در نیمه‌های شب اندک است و در برخی مناطق هیچ نیروی امنیتی وجود ندارد.

برخی فعالان مدنی نیز تأکید دارند که براساس چشم‌دید و بررسی آنان، در دروازه‌های ورودی مهم شهر هم نیمه‌های شب پولیس حضور ندارد و رفت‌وآمدها به داخل شهر از سوی نیروهای امنیتی بررسی نمی‌شود.

فرماندهی پولیس هرات می‌پذیرد که در برخی موارد پولیس در مناطق شهری حضور ندارد و به تازه‌گی شخص فرمانده پولیس هرات، با آمران شماری از حوزه‌های امنیتی و نیروهایی که در ایست‌های بازرسی و گزیمه‌های شبانه غفلت کرده‌اند، برخورد کرده است. نیمه‌های شب است، با موتر از یک ولسوالی در نزدیکی شهر هرات، به سوی مرکز شهر حرکت می‌کنیم. سایه سیاه تاریکی شب، سکوت سنگینی بر فضا حاکم کرده و جز صدای رفت‌وآمد موتورها و زوزه کشیدن حیوانات، صدای دیگری به گوش نمی‌رسد.

از کوچه‌های روستایی به خیابان اصلی می‌رسیم و پس از مدتی به یکی از خیابان‌های هرات وارد می‌شویم که شهر را به بزرگراه هرات - کابل وصل می‌کند. به این فکر می‌افتم که در مسیر کسی برای بررسی موتورها حضور دارد یا خیر. تا رسیدن به دروازه ورودی شهر، از گزیمه‌های شبانه پولیس و ایست‌های بازرسی خبری نبود.

در سرمای شب‌های سرد زمستانی، حتا در مقابل دروازه ورودی ساختمان ولسوالی انجیل، که فرماندهی پولیس، مدیریت امنیت، سارنوالی، شهرداری و چندین نهاد مهم دولتی در آن موقعیت دارند، چیزی به نام

## تجارت تریاک سبب مرگ افراد زیادی در «دهکده بیوه‌ها» شده است

قاجاق تریاک سه دهه قبل در این دهکده توسط یک مرد آغاز شد و اکنون آن مرد فرماندهی یک گروه شبه‌نظامی طرفدار دولت در هرات را بر عهده دارد. او گفت: «قاجاق مواد مخدر در این منطقه به اندازه فراگیر است که ایران گزیمه‌های وسایل نقلیه را در امتداد مرز باز با منطقه ادرسکن مستقر کرده است.» با این حال قاجاقچیان توانایی آن‌را دارند که تریاکی را که بیش‌تر آن از ولایت‌های هلمند و فراه فراهم می‌شود، به ایران انتقال دهند.

به اساس گزارش عفو بین‌الملل در سال ۲۰۱۶، ایران صدها نفر را به جرم قاجاق مواد مخدر اعدام کرد. از زمان تعدیل مجازات اعدام در قانون مواد مخدر ایران در سال ۲۰۱۷، سرعت اعدام در جرایم مواد مخدر کاهش یافته است. در گزارش سال ۲۰۱۸ بازرس ویژه امور بازسازی افغانستان آمده است که ایالات متحده بیش‌تر از ۸ میلیارد دلار را برای تلاش‌های ناموفق مبارزه با مواد مخدر در افغانستان از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۷ هزینه کرده است. با این وجود اما تولید تریاک از ۳۴۰۰ تن در سال ۲۰۰۲، به ۹۰۰۰ تن در سال ۲۰۱۷ رسید.

روستای بیوه‌ها و دیگر شهرک‌های ولایت هرات از تأثیرات جنگ هرگز در امان نبوده است. طالبان مرتباً بالای پاسگاه‌های دولتی در همان منطقه حمله می‌کنند. آقای فقیریار گفت که هر روز گزیمه‌های پولیس، شاهراه هرات را از ماین‌های کنارجاده‌ای که شب‌ها توسط طالبان کار گذاشته می‌شود، پاک می‌کنند. وی گفت که اخیراً یک پاسگاه کوچک مرزی مورد حمله قرار گرفت که متعاقباً از سوی دولت بسته شد. این حملات توسط قاجاقچیان مواد مخدر، به هم‌کاری طالبان برای بازکردن راه قاجاق سازمان‌دهی شده بود.

بالاخره زنان بیوه این وضعیت را تحمل می‌کنند و بیش‌تر آن‌ها از طریق تجارت پشم و نخ‌ریسی که باعث می‌شود دستان‌شان آبله ببندد و تغییر رنگ دهد، مبلغ ناچیزی را دریافت می‌کنند. در وضعیتی که آن‌ها فرزندان‌شان را تربیت می‌کنند، از این بیم دارند که پسران آن‌ها مانند پدران‌شان از طریق تجارت قاجاق مواد مخدر خود را به کام مرگ فرو نبرند. فاطمه در مورد پنج فرزندش گفت: «من به آن‌ها اجازه نمی‌دهم، آن‌ها مانند پدرشان کشته خواهند شد. من مانع آن‌ها می‌شوم، حتا اگر از گرسنه‌گی هم بمیریم.»

از طریق پشم و نخ‌ریسی و قالین‌بافی درآمد ناچیزی دارد.

در این روستا برق، آب و هیچ نوع منبع برای گرم‌کردن، به جز علف خشک که خانواده‌ها برای سوزاندن آن‌را خریداری یا جمع می‌کنند، وجود ندارد. برخی از زنان بیوه، مانند خانم بی‌بی، شب یک لامپ را با انرژی تولیدشده توسط صفحه سولر روشن می‌کنند. خزان امسال شرایط به حدی وخیم بود که بسیاری از زنان روستا به خانه‌های اقارب یا اردوگاه‌های مهاجرین که توسط سازمان‌های امدادسانی اداره می‌شد، پناه بردند.

محمد زمان شکیب، مدیر شورای توسعه منطقه گفت که تا همین اواخر، در این روستا ۸۰ زن بیوه همراه با خانواده‌های‌شان زنده‌گی می‌کردند؛ اما اکنون فقط ۳۰ نفر باقی مانده‌اند. آقای شکیب گفت: «سرما و گرسنه‌گی آن‌ها را از این‌جا راند.» هنگام صحبت او، چند زن بیوه و فرزندان‌شان کنار کلبه‌های خود نشسته بودند و خود را زیر نور آفتاب زمستانی که تازه پس از یک روز برفی ظاهر شده بود، گرم می‌کردند.

اکثر زنان روپوش‌های سیاه بلندی پوشیده بودند که به جز چشم‌ها دیگر همه اعضای بدن‌شان را پوشانیده بود. برخی از آن‌ها در مورد ترک روستا صحبت کردند. فاطمه که یک اسم دارد، گفت: «در این روستا چیزی برای خوردن وجود ندارد، امسال ممکن است گرسنه بمانیم.» فاطمه گفت که شوهرش، فضل حق برای امرار معاش، علف‌های هرزه را برای پخت‌وپز و گرم‌کردن خانه‌ها می‌فروخت. وی گفت که شوهرش از ناچاری پیشنهاد قاجاق تریاک در بدل ۲۰۰ دلار آمریکایی را برای هر سفر پذیرفته بود و برای سه سال، این کار را انجام داد، تا این‌که پنج سال پیش توسط مرزبانان ایرانی هدف گلوله قرار گرفت و کشته شد. حالا وی از پنج فرزندش مراقبت می‌کند.

کمبود مردان در این روستا نتوانسته است، زنان را از محدوده فرهنگ سخت مردسالار افغانستان بیرون کند. در اطراف دهکده بیوه‌ها چندین مرد ریش سفید حضور داشتند که مانع مصاحبه برخی از زنانی شدند که از مشکلات‌شان صحبت می‌کردند. مقامات افغانستان می‌گویند که هرات یکی از سه ولایت غربی است که زمینیه صادرات منظم مواد مخدر را فراهم می‌کند و مقصد اصلی تریاک آن ایران است. آقای فقیریار، ولسوال ادرسکن گفت که

منبع: نیویارک تایمز  
نویسنده: دیوید زاچینو و نجیم رحیم  
مترجم: سیدجمال اخگر



### مجموعه‌ای از کلبه‌های خاکی، معروف به قلعه بیوه‌ها یا «دهکده بیوه‌ها» در دشت‌های جنوب شهر هرات در غرب افغانستان قرار گرفته است. بیش‌تر مردان این دهکده در تلاش برای قاجاق تریاک به ایران، کشته و یا هم ناپدید شده‌اند. آنان بیوه‌های خود را با فرزندان‌شان رها کردند. برخی دیگر آن‌ها هنگام حمل مواد مخدر در مسیر راه‌های ناهموار مرزی ولسوالی ادرسکن ولایت هرات درگذشته‌اند.

محمدعلی فقیریار، ولسوال ادرسکن گفت: «مردم این منطقه بسیار فقیر هستند و مردان فقط دو گزینه دارند؛ یا دست به قاجاق مواد مخدر بزنند، یا به طالبان بپیوندند.»

کسانی که تن به قاجاق تریاک، هرویین و متامفتامین به ایران می‌دهند، در بدل آن ۳۰۰ دلار آمریکایی به دست می‌آورند؛ اما آن‌ها خطر دست‌گیری، پیگرد قانونی و اعدام در دادگاه‌های جمهوری اسلامی ایران را به جان می‌خرند و یا هم هدف گلوله مرزبانان قرار می‌گیرند.

از سال ۲۰۱۸، افغانستان بزرگ‌ترین تولیدکننده تریاک جهان است و کونکتر پر درآمدترین محصول نقدی این کشور به شمار می‌رود. سود سرشار قاجاق تریاک بنیه مالی طالبان را قوی ساخته و سال‌ها تلاش ایالات متحده و متحدان آن برای بازسازی و امنیت را تضعیف کرده است.

ظاهراً حکومت افغانستان در امر جلوگیری از این تجارت پرسود ناتوان است و برخی از مقامات از راه تسهیل قاجاق ثروت‌مند شده‌اند. در نتیجه، آن‌چه به دست می‌آید، چرخه طولانی کشت، پرورس و قاجاق تریاک است که اغلب مردم افغانستان را در معرض عواقب وخیم این تجارت غیرقانونی قرار می‌دهد.

آقای فقیریار گفت که وی برای برنامه‌های کمک به مردم برای مال‌داری، کشت گندم، برنج و لوبیا در یک زمین خشک و غیرقابل کشت بسیار تلاش کرده، ولی موفق به دریافت پول از دولت نشده است. او گفت: «ما هیچ نوع کمک از دولت مرکزی به دست نیاوردیم. آن‌ها حتا مردمی اگر از گرسنه‌گی هم بمیرند، به آن اهمیت نمی‌دهند.» زنان بیوه از طریق تجارت پشم و نخ‌ریسی، کمک اقارب و نهادهای بین‌المللی گذران می‌کنند. برخی از کودکان در یک مدرسه اسلامی که توسط یک ملا اداره می‌شود، تحصیل می‌کنند. شهر پرجمعیت هرات در ۴۵ مایلی شمال این هکده واقع شده است.

نیک بی‌بی، بیوه ۵۰ ساله گفت: «برای مدت طولانی، بسیار زنده‌گی خوبی داشتیم. سه پسر من پول زیادی



# خشک‌سالی و ناامنی

احمد زبیر کیهان، مسوول تفتیش داخلی وزارت دولت  
در امور رسیده‌گی به حوادث

برای دولت‌ها است. تجمع کثیری از مردم باعث بی‌بندوباری و زدبندوها برای به دست آوردن منابع حیاتی برای بقای‌شان خواهد شد؛ همه در صدد به دست آوردن منابع حیاتی، با هم در مبارزه خواهند بود و هرچ‌ومرج در تمام شهر حاکم خواهد شد. به دلیل کم‌شدن کسب‌وکار در زمان خشک‌سالی، مردم در صدد پیدا کردن کار برای تأمین بقای‌شان می‌شوند که در عدم دست‌یافتن به آن، مجبور به انجام کارهایی چون دزدی، قتل، چور و چپاول و یا پیوستن به گروه‌های مخالف دولت خواهند شد. خشک‌سالی‌های اخیر در ولایت‌های پکتیا، فراه، نیمروز، بادغیس، غور، فاریاب و سمنگان باعث مهاجرت بیش از ۲ میلیون نفر به ولایات هم‌جوار شد.

دولت‌ها همواره کوشش کرده‌اند تا میزان فقر و بی‌کاری را در قلمروشان کاهش دهند و یا در کل از بین ببرند. پس اگر دولت‌ها توجه جدی در حل مشکلات مردم در امر فراهم‌آوری آب و مبارزه با خشک‌سالی نکنند، میزان مهاجرت‌ها افزایش خواهد یافت، مشکلات و چالش‌ها سد راه انکشاف در کشور خواهد شد و میزان فقر و بی‌کاری روز به روز افزایش خواهد یافت.

مبارزه با خشک‌سالی وجیبه انسانی همه ما است. برای داشتن یک جامعه عاری از فقر و بی‌کاری و هم‌چنان به خاطر حفظ و بقای خود و دیگران باید در مصرف آب محتاط باشیم.

در پایان، مبارزه با پدیده خشک‌سالی به چند نکته کوچک ولی اساسی اشاره می‌شود تا با انجام و رعایت آن از وقوع اتفاقات مرگ‌بار جلوگیری شود. نکته اول آگاهی عامه در مورد اثرات و پیامدهای مخرب محیط زیستی و زیان‌بار اجتماعی خشک‌سالی است. نکته دوم اجتناب از مصرف بی‌رویه آب است. نکته آخر، این‌که تقسیم درست آب‌های زیر زمینی وظیفه دولت است و دولت مسوولیت دارد که برنامه دقیق در مورد چگونه‌گی استفاده از آب‌های زیر زمینی روی دست گیرد.

**خشک‌سالی مانند دیگر آفت‌های طبیعی به طور ناگهانی و یا بعد از مدت کم به وجود نمی‌آید و همین‌گونه در مدت کم هم دوران خشک‌سالی به پایان نمی‌رسد. قسمی که همه می‌دانیم، خسارات و تلفات حوادث به بزرگی و دوام آن ارتباط مستقیم دارد. خسارات و تلفات خشک‌سالی نیز به دلیل دوام‌داشتن و وسیع‌بودن ساحه تحت اثر آن، بیش‌تر از هر آفت دیگر است.**

می‌شود و آنان برای پیدا کردن کار جدید به مناطق دیگر و اکثراً به شهرها مهاجرت می‌کنند. وقوع خشک‌سالی، قحطی را به دنبال خواهد داشت. قحطی از اثرات غیرمستقیم خشک‌سالی است و پیامدهای بدی بر افزایش مهاجرت، جرم و درگیری دارد. یکی از رییس‌ان جمهور برازیل، افزایش ۱۰۰ درصدی جنایت از سال ۱۸۷۶ تا ۱۸۷۷ را به سخت‌شدن شرایط زنده‌گی مانند افزایش مهاجرت به نقاط دیگر در اثر وقوع خشک‌سالی، نسبت داد. در حقیقت او افزایش جرم و جنایت را نتیجه اثر غیرمستقیم خشک‌سالی دانست.

هم‌چنین با وقوع خشک‌سالی و کاهش زمین‌های کشاورزی، مدیران کسب‌وکارهای کوچک از جمله کشاورزی، شروع به کم‌کردن کارگران و نیروهای مورد نیاز خود می‌کنند و در این زمان میزان بی‌کاری برای کسانی که از این طریق ارتزاق می‌کنند، افزایش می‌یابد.

از دست‌رفتن شغل گروه کثیری از مردم باعث مهاجرت آنان به نقاطی که منابع بیش‌تر داشته باشد، می‌شود. این مسأله خود یک چالش بزرگ

بحث تولید انرژی (برق) در زمان خشک‌سالی یکی از مشکلات چالش‌برانگیز دیگر است. توربین‌های صنعتی برای تولید برق خود نیاز به جریان آب دارد و با وقوع خشک‌سالی و کاهش جریان ورودی آب در دریاچه‌ها، کاهش تولید انرژی در توربین‌های صنعتی را شاهد خواهیم بود. در زمان خشک‌سالی میزان آتش‌سوزی نیز چیزی در حدود ۳۰ درصد بیش‌تر از مقدار معمول آن افزایش می‌یابد. کاهش در سطح آموزش و تصمیم‌گیری درست مردم نیز از جمله عواقب بد و جبران‌ناپذیر خشک‌سالی است. یکی دیگر از پیامدهای خشک‌سالی، خسارات وارده به دام‌داران است. کاهش رطوبت باعث کاهش علف برای حیوانات و سبب فروش آن‌ها به قیمت ناچیز می‌شود. این کار هم در چرخه غذایی و هم در زنده‌گی حیوانات تأثیرات منفی خواهد داشت. افغانستان شاهد چنین اتفاقی در ولایت فاریاب بوده است.

مهاجرت یکی از عواقب معمول خشک‌سالی است. در زمان خشک‌سالی، سطح زیر کشت کاهش می‌یابد و کسب‌وکار کشاورزان با مشکل مواجه



خشک‌سالی پدیده زیان‌بار محیط زیستی و انسانی است که در اثر پدیده‌های مختلف طبیعی و انسانی به وجود می‌آید و یکی از بلاهای است که کنترل آن مشکل و خسارات و تلفات آن بیش‌تر از هر حادثه دیگر است.

خشک‌سالی مانند دیگر آفت‌های طبیعی به طور ناگهانی و یا بعد از مدت کم به وجود نمی‌آید و همین‌گونه در مدت کم هم دوران خشک‌سالی به پایان نمی‌رسد. قسمی که همه می‌دانیم، خسارات و تلفات حوادث به بزرگی و دوام آن ارتباط مستقیم دارد. خسارات و تلفات خشک‌سالی نیز به دلیل دوام‌داشتن و وسیع‌بودن ساحه تحت اثر آن، بیش‌تر از هر آفت دیگر است.

وقتی خشک‌سالی بروز می‌کند، بخش‌های مختلف یک جامعه را با آسیب‌های جدی کمبود آب روبه‌رو می‌سازد. کشاورزی به دلیل وابسته‌گی بیش‌تر نسبت به هر بخش دیگری به رطوبت خاک و آب، اولین بخشی است که اثرات خشک‌سالی را حس می‌کند. در صورت ادامه روند خشک‌سالی، مردم که از منابع مختلف آبی استفاده می‌کنند، نیز تحت تأثیر قرار خواهند گرفت. گروه‌هایی از مردم که از منابع آب سطحی و زیرزمینی استفاده می‌کنند، آخرین گروه‌هایی خواهند بود که این مسأله را لمس می‌کنند. البته میزان این تأثیرات بسته‌گی مستقیم به طول دوره خشک‌سالی دارد. دوره‌های طولانی‌تر خشک‌سالی، اثرات مخرب‌تری را به بار خواهد آورد. هم‌چنان در زمان خشک‌سالی مردم به خاطر آبیاری زمین‌های خود کوشش به حفر چاه‌های عمیق می‌کنند که میزان آب‌های زیرزمینی را به شکل قابل ملاحظه پایین می‌آورد. یکی از اثرات بسیار منفی خشک‌سالی کاهش سطح آموزش در یک منطقه است و موجب افزایش مشکلات آموزشی بسیاری می‌شود.

## فرونشست کابل و مرگ زمین



مریم محمدی عطشانی، دانشجوی  
دکتری مخاطرات ژئومورفولوژیک

بدهد، از نظر امنیت اجتماعی با تنش‌های جدی مواجه و مقدمه مهاجرت‌های محیط زیستی فراهم می‌شود.

فرونشست زمین یکی از مخاطرات ژئومورفیک محسوب می‌شود که دارای حرکت کند است و در بلندمدت آثار مخرب خود را نشان می‌دهد. وقوع این مخاطره می‌تواند عاملی در ایجاد و تشدید آسیب‌پذیری کانون فعالیت‌های انسانی واقع در بسترهایی با زیرساخت مخاطره‌آمیز طبیعی باشد. در چنین شرایطی شناخت کافی از درجه و میزان آسیب‌پذیری و تحلیل و تبیین ویژه‌گی‌ها و شرایط گروه‌های انسانی، تأسیسات و مکان‌هایی در معرض خطر می‌تواند مجال برنامه‌ریزی و آراسته‌گی محیطی فضا در جهت تعدیل خطرپذیری و به تبع آن دوری از بحران را فراهم آورد.

فرونشست زمین یا پایین‌رفتن قسمتی از سطح زمین، اغلب به صورت تغییرات ارتفاعی عمودی سطح زمین قابل مشاهده می‌باشد که با جابه‌جایی‌های اندک افقی نیز همراه است. به عنوان نمونه ترک‌خوردن دیوارها، کج‌شدن ستون‌های برق و... از نشانه‌های فرونشست زمین است.

از علل اصلی بروز پدیده فرونشست، سیاست‌گذاری نادرست و یا نداشتن سیاست‌گذاری و مدیریت‌نشدن صحیح در بهره‌برداری از منابع آب زیرزمینی است که در نتیجه سفره‌های زیرزمینی هر روز خالی می‌شود.

خشک‌سالی و کاهش سطح آب‌های زیرزمینی و برداشت‌های بی‌رویه در کابل نشان می‌دهد که

می‌شود. در کابل هرکس اجازه دارد در حیات خانه خود چاه حفر کند. تعداد چاه‌های حفر شده در منطقه شهری کابل دقیق بررسی نشده، ولی می‌توان گفت که به اندازه هر خانه، در این شهر چاه حفر شده است. دولت برنامه‌ای برای این معضل ندارد. کسی چاه ۱۰۰ متری حفر می‌کند و با این عمل میزان آب چاه‌های مجاور را کاهش می‌دهد. در برابر این اقدام، همسایه چاه ۱۵۰ متری حفر می‌کند.

میزان فرونشست عمدتاً تابع تغییر سطح آب زیرزمینی در کابل است. فرونشست زمین کابل در بعضی از مناطق ۸،۲ سانتی متر و در منطقه دیگر ۳،۳ سانتی متر در سال است.

نشست زمین، پدیده فوق‌العاده خطرناکی است و از آن به عنوان آخرین و غیرقابل بازگشت‌ترین مرحله از فرایند بیابان‌زایی یاد می‌شود. کابل یک دشت آبرفتی است و زمانی که زمین نشست می‌کند، آبرفت‌های درشت‌دانه به هم می‌چسبند و فضای خالی آن‌ها پر می‌شود و دیگر امکان انباشت آب در این سفره‌ها از بین می‌رود. سرزمینی که امکان انباشت آب شیرین در زیر سطحش را از دست

کابل در حال فرونشست است. با این روندی که این شهر پیش می‌رود، در آینده‌ای نه چندان دور دچار خطر فرونشست وحشتناکی می‌شود. یک رابطه قوی بین تغییرات سطح آب زیرزمینی و فرونشست وجود دارد. خشک‌سالی و عمل‌کردهای ضعیف مدیریت آب، رشد سریع جمعیت و دهه‌ها بی‌ثباتی سیاسی باعث شده است که شهر کابل اخیراً دچار تنش آبی شود که بسته‌گی زیادی به برداشت آب‌های زیرزمینی دارد. استخراج بیش از حد و طولانی‌مدت آب‌های زیرزمینی باعث فرونشست زمین می‌شود.

آب آشامیدنی کابل از حفر چاه‌های ۱۵۰ - ۲۰۰ متری در منطقه شهری، به خصوص مناطق کارته ۳ و کارته ۴ و سرک ۷ و ۹ دارالامان به دست می‌آید و تصفیه می‌شود. این در حالی است که جمعیت خارج از تحمل زمین بر آن مناطق ساکن است. پس از مدتی که چاه‌ها خشک شد، در منطقه دیگری چاه‌های جدید حفر می‌شود. برای مناطق مسکونی، چاه‌های ۵۰ متری و برای شرکت‌های آب، چاه‌های ۱۵۰ - ۲۰۰ متری حفر می‌شود.

جالب این‌جا است که چاه‌ها بدون مجوز لازم حفر



**کابل در حال فرونشست است.  
با این روندی که این شهر پیش  
می‌رود، در آینده‌ای نه چندان دور  
دچار خطر فرونشست وحشتناکی  
می‌شود. یک رابطه قوی بین  
تغییرات سطح آب زیرزمینی و  
فرونشست وجود دارد. خشک‌سالی  
و عمل‌کردهای ضعیف مدیریت  
آب، رشد سریع جمعیت و دهه‌ها  
بی‌ثباتی سیاسی باعث شده است  
که شهر کابل اخیراً دچار تنش آبی  
شود که بسته‌گی زیادی به برداشت  
آب‌های زیرزمینی دارد. استخراج  
بیش از حد و طولانی‌مدت آب‌های  
زیرزمینی باعث فرونشست زمین  
می‌شود.**

فرونشست زمین به طور قابل ملاحظه‌ای زیاد بوده است. یکی از عواقبی که فرونشست زمین می‌تواند برای کابلی‌ها داشته باشد، نشست زیرساخت‌های لوله‌ای زیر زمین و نشست آسفالت خیابان‌ها است که استهلاک عمرانی را بالا می‌برد. از عواقب دومی، آلوده‌گی‌های زیست‌محیطی خواهد بود.

وقتی آب در زیر زمین است، مانند ستون عمل می‌کند و لایه‌های خاک را نگه می‌دارد؛ اما وقتی از آب برداشت بی‌رویه شود، باعث سست‌شدن زمین می‌شود و ارتفاع خاک کم می‌گردد و نشست می‌کند.

باید ما وظیفه محیط زیستی خود را در قبال رفتار با طبیعت بدانیم و تلاش کنیم میزان ذخیره آب را با میزان برداشت آن در کابل متعادل سازیم و طرح‌های تعادل‌بخشی را با شدت بیش‌تری اجرا کنیم. مجوز حفر چاه‌های غیرمجاز و توسعه کشاورزی، به خصوص محصولات آبربر را صادر نکنیم. بر حفر چاه نظارت داشته باشیم و میزان آب‌های زیرزمینی را به طور مستمر اندازه‌گیری کنیم.



# خبرنگاری سبز یا ژورناليسم محیط زیستی

محمد کاظم همایون

رئیس اداره حفاظت از محیط زیست کابل

## نقش رسانه‌ها در آگاهی‌دهی از چالش‌ها و تهدیدات محیط زیستی

رسانه‌ها در دنیای امروز به مثابه پل میان رویدادها و مردم عمل می‌کنند. هر حادثه‌ای که اتفاق می‌افتد و ارزش خبری دارد، از طریق رسانه‌ها به اطلاع مردم رسانده می‌شود. رسانه‌ها با اطلاع‌رسانی، در واقع شکل فکر کردن و واکنش مردم را نسبت به هر رویدادی (خبر) مدیریت می‌کنند. چالش‌های محیط زیستی که افغانستان با آن روبرو است و مزیت‌هایی که جغرافیای افغانستان نسبت به برخی کشورهای دیگر در این زمینه دارد، نقش رسانه‌های کشور ما را در زمینه اطلاع‌رسانی چالش‌ها و آگاهی‌دهی از نکات مثبت محیط زیستی بسیار برجسته ساخته است.

## خبر محیط زیستی

خبر اساساً یک ژانر منفی‌نگر است. رویدادهایی ارزش خبری می‌یابد که بیش‌تر منفی است؛ البته خبر منفی ذاتاً به هدف اصلاح امور نشر می‌شود و اهمیت می‌یابد. خبررسانی محیط زیستی مثل سایر خبرها ادبیات و کارویژه‌های تخصصی می‌طلبد. زبان خبر محیط زیستی باید روشن‌گر، منتقد، اصلاح‌گر و آینده‌نگر باشد. از آنجایی که محیط زیست در واقع تمام ابعاد زنده‌گی انسان‌ها را احتوا می‌کند، نباید خبرش تخریب‌کننده و ناامیدکننده باشد. هر خبر محیط زیستی در ضمن این‌که انتقاد می‌کند، راه اصلاح و نقش مردم را در بهبود اوضاع تبیین می‌نماید. در غیر آن هر خبر محیط زیستی می‌تواند امید به زنده‌گی را در میان مردم کم‌تر سازد.

## کمپاین‌های محیط زیستی

با افزایش نگرانی‌ها درباره تغییر اقلیم کره زمین؛ دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی، سازمان‌های ملی محیط زیستی و افراد هزینه‌های هنگفتی را برای اطلاع‌رسانی در مورد تغییرات محیط زیستی به مصرف می‌رسانند. متأسفانه سرمایه‌گذاری‌ها برای اطلاع‌رسانی از ابعاد مخرب تغییرات اقلیمی در افغانستان تقریباً صفر است. در قدم اول دولت افغانستان مکلف به تخصیص بودجه کافی برای کمپاین‌های محیط زیستی است، در قدم دوم سازمان‌های بین‌المللی به خاطر تطبیق مفاد کنوانسیون‌های محیط زیستی باید سهمیه جهانی کشور ما را از طریق مراجع مسوول بپردازند و در قدم سوم سازمان‌های ملی فعال محیط زیستی، رسانه‌ها و افراد، همه باید برای ادای مسوولیت‌های سازمانی و شهروندی‌شان کمپاین‌های محیط زیستی را راه‌اندازی کنند.

## گفتمان ملی محیط زیست

اداره ملی حفاظت محیط افغانستان در هم‌کاری با رسانه‌ها باید گفتمان ملی محیط زیست را نهادینه‌سازی کند که هدف آن قرار ذیل باشد:

- تشویق رسانه‌ها به برگزاری برنامه‌های اجتماعی و تفریحی در پیوند با محیط زیست و حفاظت از ارزش‌های محیط زیستی.
- آرایه طرح‌های محیط زیستی، مثل استفاده از فضای سبز در پس‌زمینه برنامه‌های خبری و غیرخبری رسانه‌ها.
- تشویق رسانه‌ها برای استفاده از گل و سبزه‌های تازه در طراحی استدیوهای‌شان.
- تشویق رسانه‌ها به برگزاری برخی برنامه‌های‌شان در فضای سبز، باغ، کنار دریا، بغل تپه و سر کوه‌ها.
- ترغیب گردانندگان رسانه‌ها به استفاده از



اصطلاحات سبزنگر، مثل صبح بهاری تان بخیر، شام سرد تان در آغوش گرم جهان خوش باد، سبز باشید، سبز فکر کنید، سبزنگری آیین انسان‌های زمین‌دوست است، دنیای تان گل و گلزار باد و ددها نمونه‌ای از این دست.

تدوین این شگردها طی یک سند به عنوان کتابچه سبز از طریق وب‌سایت اداره ملی حفاظت محیط زیست و سایر پایگاه‌های اطلاع‌رسانی جهت دسترسی همه به آن.

## آموزش محیط زیست به خانواده‌ها

دولت افغانستان، رسانه‌ها و تمام شهروندان کشور مکلف به آموزش‌دهی و آموزش‌گیری در مورد محیط زیست هستند. رسانه‌ها می‌توانند با نشر پیام‌های آموزنده کودکان، جوانان و بزرگسالان را آگاهی دهند تا مسوولیت‌های محیط زیستی‌شان را ادا کنند، القابای محیط زیست را بیاموزند و محیط زیست را به عنوان والاترین ارزش جهان ما، پاس دارند.

## مزیت‌های محیط زیستی افغانستان

کشورهایی مانند افغانستان به دلیل نداشتن برنامه ملی «توسعه پایدار» در معرض تهدیدات مختلف محیط زیستی قرار دارند. اما افغانستان دارای بعضی مزیت‌های محیط زیستی نیز است که بسیاری از کشورهای جهان آن را ندارند. رسانه‌ها با انگشت‌گذاشتن روی این مزیت‌ها که شامل دست نخورده بودن زمین‌های زراعتی و غیر زراعتی، موجودیت منابع وافر آبی، عدم کاوش‌های معدنی بزرگ، تولیدات زراعتی ارگانیک، جغرافیای سرد و گرم یعنی اقلیم چهار فصله و عدم اجرای پروژه‌های بزرگ توسعه‌ای می‌شود، می‌توانند در حفظ محیط زیست نقش مهم بازی کنند.

رسانه‌ها با انگشت‌گذاشتن روی این مزیت افغانستان؛ مردم، سازمان‌ها و دولت را در پیوند با طراحی و اجرای هر پروژه بزرگ و کوچک آموزش می‌دهند تا معیارهای محیط زیستی را رعایت و این مزیت کشور ما را به عنوان بهترین مزیت عصر حاضر، در جهان معرفی کنند. این مزیت، بزرگ‌ترین دست‌آورد کشور ما در جهان پر از آلودگی در آینده نزدیک خواهد بود.

## روش‌های پردازش خبرنگاران به مسایل محیط زیستی

محیط زیست یک پروسه است نه یک رویداد. بعضی از گزارش‌ها را مانند یک رویداد می‌توان به آسانی شنید و مشاهده کرد. مثلاً زباله‌ها و آفات طبیعی، اما نتایج بسیاری از پروسه‌های محیط زیستی به مرور

کار می‌کنند، معلومات را جمع‌آوری کنند.

## اجتناب از گزارش منفی و یا حفظ تعادل در اطلاع‌رسانی

خبرنگار باید جنبه مثبت گزارش را نیز در نظر بگیرد. مثلاً مردم به خاطر بهبود وضعیت محیط زیست چه کار را انجام داده می‌توانند. یا مردم عادی چه تغییری را می‌توانند رقم بزنند. خبرنگار محیط زیستی با این کار نمی‌گذارد مردم مأیوس شوند و خود را ناتوان فکر کنند.

گزارش‌های محیط زیستی اکثراً پروسه علمی و تخنیکی را در بر می‌گیرد. خبرنگاران باید از زبان مسلکی اجتناب و بیش‌تر با زبان مردم صحبت کنند تا گزارش تأثیرگذاری بیش‌تر داشته باشد. طبیعت‌نگار نباید از اصطلاحات فنی هراس داشته باشد؛ بلکه سعی کند تا آن را باند و به زبان ساده در گزارش بیاورد. در صورت نفهمیدن واژه‌های سبز، نخست باید از خود مصاحبه‌کننده بپرسد و یا از واژه‌نامه‌ها استفاده کند. گزارش‌گر باید کوشش کند تا در تهیه گزارش با اشخاصی که با طبیعت و محیط زیست نزدیک اند، مصاحبه کند. خبرنگاران نیاز ندارند در مسایل محیط زیست متخصص باشند؛ اما آنان باید بدانند که کجا باید رفت و چگونه معلومات دقیق را به منظور آگاهی مردم تهیه کرد.

عکس‌برداری در سراسر جهان نقش مهمی در بلندبردن آگاهی مردم در مورد محیط زیست، به‌ویژه ساحات طبیعی دست‌نخورده بازی می‌کند. سایر کشورها در کنار این‌که شبکه‌های مستقل در رابطه به طبیعت و محیط زیست دارند، کوشش کردند تا موضوع محیط زیست را شامل برنامه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، حقوقی، فرهنگی و دینی‌شان سازند و به سمع و نظر مردم برسانند. پیشینه طبیعت‌نگاری یا ژورناليسم محیط زیستی را حتا از زمان کریستف کلمب می‌توان ریشه‌یابی کرد؛ اما با توجه به این‌که مشکلات فراملی و فرامنطقه‌ای را در پی نداشت، به باد فراموشی سپرده شد. کار روی برنامه محیط زیست ملل متحد در سال ۱۹۷۳ آغاز شد. در همان سال در حدود سه صد جلد کتاب تنها در امریکا به چاپ رسید. در آن زمان به خاطر به دست‌آوردن سوژه نو، خبرنگاران محیط زیست برای دیدن طبیعت، سفرهای گردش‌گری از طبیعت را آغاز کردند.

خبرنگار محیط زیست باید از وقایع تاریخی محیط زیستی آگاه باشد و در رابطه به کارهای اداره ملی حفاظت محیط زیست و شرکای کاری‌اش نیز آگاهی و توانایی اطلاع‌رسانی به زبان عام را داشته باشد. متأسفانه رسانه‌های افغانستان صرف به آلودگی هوا، آب، صوت و یا آلودگی‌های محیطی می‌پردازند، در حالی که موضوعات ژورناليسم محیط زیستی شامل بخش‌هایی چون تغییرات اقلیمی، تنوع حیات، محصولات غذایی با تغییر ژنتیکی، رشد جمعیت، عدالت زیست‌محیطی، بیماری‌های زیست‌محیطی، اقتصاد محیط زیست، ادبیات محیط زیست، اخلاق زیست‌محیطی، زیست‌بوم‌ها، انرژی، آموزش محیط زیستی، حفاظت زیستگاه حیوانات، حیات وحش، حقوق بین‌الملل محیط زیست، مدیریت مواد زاید و ددها مورد دیگر می‌شود که تا حال سربسته باقی مانده است.

ژورناليسم تحقیقی یا پژوهش‌های محیط زیستی ژورناليستیک هنوز در کشور ما پا نگرفته است. عالی خواهد بود اگر رسانه‌های کشور ما کار پژوهش‌های ژورناليستیک خویش را با پژوهش درباره مسایل محیط زیستی آغاز کنند، تا ما بتوانیم همه دست به دست هم دهیم و آینده را سبز و این امانت را پاک و صفا به فرزندان خویش تسلیم دهیم.

زمان حتا در نسل‌های بعدی معلوم می‌شود. مثلاً بیابان‌زایی، تغییر اقلیم، جنگل‌زدایی، نابودی حیات وحش، از بین‌رفتن تالاب‌ها و...

گزارش‌گران با توجه به امنیت خود باید گزارش را به شکل گروهی نوشته کنند و در صورت نیاز، آن را بدون ذکر نام بنویسند و یا تلاش کنند گزارش‌ها را از افراد محلی، موسسات بین‌المللی ساکن در ساحه و یا افراد بومی به دست بیاورند تا خطر جانی پیش نیاید. گزارش‌گر محیط زیستی در گزارش خود آمار و ارقام زیاد را ذکر نکند، چون متخصصان بیش‌تر با آمار صحبت می‌کنند. گزارش‌گر مکلفیت دارد که واژه‌های مسلکی را از متخصصان بپرسد و یا از واژه‌نامه‌ها پیدا و به زبان ساده برای مخاطبان خود پیشکش کند تا باعث گیج‌شدن خواننده نشود.

گزارش‌گر، گزارش را طوری تهیه کند که تأثیرات مثبت و منفی و آن‌چه تأثیر مستقیم به سفره مردم دارد را بیان نماید و این بخش گزارش مشکل‌ترین



با افزایش نگرانی‌ها درباره تغییر اقلیم کره زمین؛ دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی، سازمان‌های ملی محیط زیستی و افراد هزینه‌های هنگفتی را برای اطلاع‌رسانی در مورد تغییرات محیط زیستی به مصرف می‌رسانند. متأسفانه سرمایه‌گذاری‌ها برای اطلاع‌رسانی از ابعاد مخرب تغییرات اقلیمی در افغانستان تقریباً صفر است. در قدم اول دولت افغانستان مکلف به تخصیص بودجه کافی برای کمپاین‌های محیط زیستی است، در قدم دوم سازمان‌های بین‌المللی به خاطر تطبیق مفاد کنوانسیون‌های محیط زیستی باید سهمیه جهانی کشور ما را از طریق مراجع مسوول بپردازند و در قدم سوم سازمان‌های ملی فعال محیط زیستی، رسانه‌ها و افراد، همه باید برای ادای مسوولیت‌های سازمانی و شهروندی‌شان کمپاین‌های محیط زیستی را راه‌اندازی کنند.

بخش یک گزارش را تشکیل می‌دهد. اگر گزارش‌گر به روستاهای دوردست رفته نمی‌تواند، از کارمندان موسسات غیردولتی که در آن مناطق

دبیر بخش ویدیو: خبرنگاران:

ویراستاران: صفحه آرایی: پذیرش اعلان: نشانی پستی: نشانی دفتر کابل: ۸صبح نوشته‌ها را ویرایش می‌کند. سرمقاله بازتاب‌دهنده‌ی دیدگاه ۸صبح است. سایر دیدگاه‌های مطرح‌شده در مقاله‌ها، به نویسندگان آن برمی‌گردد.



صاحب امتیاز: مدیرمسئول: سردبیر: دبیر گزارش‌ها: دبیر بخش خبر: دبیر بخش صلح: دبیر رسانه‌های اجتماعی: نورعلی فرحت

سنجر سهیل: مجیب مهرداد: خلیل اسیر: حسیب بهش: علی شاه حقمیل: آسیه حمزه‌ای

Publisher: Sanjar Sohail, sanjarsohail@yahoo.com  
Editor-in-Chief: Mujib Mehrdad, mujib\_mehrdad@yahoo.com  
Facebook.com/8am.af  
Youtube.com/HashteSubhdaily  
Twitter.com/@Hashtesubhdaily  
instagram.com/8am.af\_official  
www.8am.af



**نسخه پیشرفته پکسک ازی پی (AZIPAY)**

**عزیزی بانک**  
Azizi Bank

عزیزی بانک برنامه پیشرفته میابلی (AZI PAY) خود را معرفی کرده است که تمام ویژگی‌های پیشرفته جدید مانند ورود با بیومتریک، شناخت چهره، سهولت چندین زبان (پشتو، دری و انگلیسی) استفاده از دالر امریکایی، دیدن صورت حساب و صورت حساب کوتاه، برداشت پول از ماشین خودپرداز صرافتی، ارسال پول به شماره میبل و اخذ آن از ماشین‌های اتومات صرافتی، اضافه کردن کربنت به میبل، پرداخت بل را دارا میباشند.

لطفا نسخه جدید ازی پی را از اپستور و پلی سٹور دونلود (بارگیری) نمائید. برای معلومات بیشتر به شماره 24 ساعته 1515 به تماس شوید.

www.azizibank.af 1515

## امریکا اعلام کرد که ناو هواپیمابرش را از خاورمیانه بازمی‌گرداند



بمبافکن‌های استراتژیک بی-۵۲ آمریکا روز چهارشنبه برای سومین بار طی ۴۲ روز گذشته، در اقدامی بازدارنده، بر فراز خلیج فارس به پرواز درآمدند.

محمدجواد ظریف، وزیر خارجه ایران، روز پنجشنبه دولت دونالد ترامپ را متهم کرد که به دنبال «توطئه‌ای برای ساخته و پرداخته کردن بهانه‌ای برای جنگ» است و گفت که ایران خواهان جنگ با امریکا نیست.

به دنبال حمله راکتی یکشنبه، ۳۰ قوس بر سفارت امریکا و منطقه سبز امنیتی بغداد، مقام‌های امریکایی واکنش‌های تندی نشان دادند و دونالد ترامپ هشدار داد که در صورت هرگونه حمله در عراق که به کشته شدن حتی یک امریکایی منجر شود، ایران را مسوول خواهد دانست.

وزارت خارجه ایران مرتبط بودن ایران با حمله بر نیروهای امریکایی در عراق را «بی‌اساس و ساختگی» دانسته است. طی هفته‌های اخیر با نزدیک شدن به سالگرد کشته شدن قاسم سلیمانی، تنش بین ایران و امریکا تشدید شده است. یک مقام ارشد نظامی امریکا روز گذشته در خصوص پرواز دو بمبافکن بر فراز خلیج فارس گفته بود که این اقدام در واکنش به علایمی است، حاکی از این‌که ایران قصد دارد ظرف روزهای آینده حملاتی را علیه اهداف متحده ایالات متحده در عراق یا دیگر نقاط خاورمیانه انجام دهد.

همزمان با تنش‌ها در خاور میانه، وزارت دفاع امریکا (پنتاگون) اعلام کرد که ناو هواپیمابر «یواس اس نیمیتز» از این منطقه به برمرتن در ایالت واشنگتن باز می‌گردد. به نقل از رادیو فرادا، کریستوفر میلر، سرپرست وزارت دفاع امریکا، دستور خروج «یواس اس نیمیتز» از خاورمیانه و بازگشت آن به ایالات متحده را صادر کرده است.

کریستوفر میلر گفته است که «یواس اس نیمیتز» مستقیماً به امریکا باز می‌گردد. سرپرست پنتاگون در بیانیه خود از خدمه ناو هواپیمابر «یواس اس نیمیتز» برای ماموریت ۱۰ ماهه‌اش تقدیر کرده است.

ناو هواپیمابر «یواس اس نیمیتز» در آستانه سالروز کشته شدن قاسم سلیمانی، فرمانده سابق نیروی قدس سپاه و هشدار وزیر خارجه ایران نسبت به «بهانه‌تراشی امریکا برای جنگ با جمهوری اسلامی» از خلیج فارس خارج می‌شود.

مقام‌های امریکایی به رویترز گفته‌اند که خروج ناو هواپیمابر «یواس اس نیمیتز» از منطقه خاورمیانه در راستای کاهش تنش در منطقه است.

خبرگزاری آسوشیتدپرس روز پنجشنبه گزارش داد که با خروج تنها ناو هواپیمابر امریکا از منطقه، قدرت تهاجمی ایالات متحده در میانه تنش‌ها با ایران کاهش خواهد یافت.



## یمن ایران را به دست داشتن در حمله بر فرودگاه این کشور متهم کرد

رییس دولت ائتلافی یمن، حوثی‌های تحت حمایت ایران را متهم به حمله روز گذشته بر فرودگاه عدن کرد.

به گزارش رادیو زمانه، عبدالملک سعید ادعا کرد که کارشناسان ایرانی از ماه‌ها قبل این حمله را تدارک دیده بودند.

چهارشنبه، سی‌ام دسامبر، هم‌زمان با فرود هواپیمای حامل اعضای کابینه دولت انتقالی جنوب (وابسته به ائتلاف سعودی) به فرودگاه عدن، انفجار مهیبی در آنجا رخ داد و صدای تیراندازی نیز به گوش رسید.

در این حمله دست‌کم ۲۶ تن کشته و ۱۱۰ نفر مجروح شدند. تصاویری بعد از این حمله نشر شد که اعضای کابینه ائتلافی را در حال فرار نشان می‌داد.

معمّر الاریانی، وزیر اطلاعات یمن، در پی این انفجار اعلام کرد که هیچ‌یک از مسوولان دولتی آسیبی ندیده است.

به گزارش خبرگزاری آسوشیتدپرس، عبدالملک سعید، نخست‌وزیر دولت ائتلافی یمن، پنجشنبه، ۳۱ دسامبر، در یک نشست خبری یک بار دیگر حوثی‌های یمن را متهم کرد که در این حمله دست داشته‌اند: «تهادهای اطلاعاتی گزارش داده‌اند که برخی از کارشناسان ایرانی در ماه‌های گذشته حمله ابه فرودگاه عدن را تدارک دیده‌اند.»

در پی انفجار مهیب در فرودگاه عدن، عبدربه منصور هادی و اعضای کابینه ۲۴ نفره او به قصر «المعاشیق» منتقل شدند. چند ساعت بعد از حمله بر فرودگاه عدن، انفجاری هم در نزدیکی قصر «المعاشیق» اتفاق افتاد. هم‌چنین شبکه العربیه عربستان سعودی گزارش داد که نیروهای ائتلاف عربی یک پهپاد را هم که قصد حمله بر قصر «المعاشیق» را داشت، رهگیری و منهدم کردند.

دولت وحدت ملی یمن که سازمان ملل متحد هم آن را به رسمیت می‌شناسد، هژدهم دسامبر سال جاری با جدایی خواهان جنوب وارد ائتلاف شد و یک دولت انتقالی تشکیل داد.

مراسم تحلیف عبدربه منصور هادی شنبه گذشته در عربستان سعودی برگزار شد. ائتلاف عربی به رهبری عربستان سعودی، از دولت هادی حمایت می‌کند.

عبدالملک سعید، نخست‌وزیر دولت ائتلافی یمن، در ادامه نشست خبری روز پنجشنبه گفت: «ما قصد داشتیم برنامه دولت را به بحث بگذاریم، اما بعد از حمله وطن‌فروشانه و بزدلانه روز گذشته کابینه یک نشست فوق‌العاده برگزار می‌کند.»

سعید از جامعه بین‌المللی خواست انصارالله یمن را به عنوان یک گروه تروریستی شناسایی کند.

وزارت امور خارجه ایران اما ضمن ابراز همدردی با خانواده قربانیان حادثه روز گذشته در فرودگاه عدن، «ادامه تجاوز و اشغال خاک یمن» را عامل اصلی بی‌ثباتی خواند. سخنگوی وزارت خارجه ایران از همه طرف‌های درگیر خواست که به «نزاع‌های بی‌پهوده» پایان دهند.

درگیری‌ها در داخل اردوگاه ضدحوثی‌ها یکی از عوامل توقف تلاش‌های سازمان ملل برای مذاکره در مورد آتش‌بس سراسری بوده است. مذاکرات سیاسی برای پایان دادن به جنگ، آخرین بار در دسامبر ۲۰۱۸ انجام شد.

این درگیری که در منطقه به عنوان جنگ نیابتی بین عربستان سعودی و ایران تلقی می‌شود، منجر به کشته شدن بیش از ۱۰۰ هزار نفر شده است.

سازمان ملل متحد جنگ یمن را بزرگ‌ترین بحران انسانی در جهان می‌نامد.

## ترمپ ممنوعیت صدور گرین کارت و ورود کارگران خارجی را سه ماه دیگر تمدید کرد

اعلام کرد، رییس جمهوری جدید در همان روز نخست ورود به کاخ سفید فرامین اجرایی و دستورات ترامپ در روزهای پایانی دولتش را متوقف و یا به تأخیر خواهد انداخت.

این دو قانون که از سوی رییس جمهوری امریکا تمدید شدند در واقع هم جلوی صدور گرین کارت را برای درخواست کنندگان خارجی می‌گیرند و هم به صورت موقت از ورود کارگران خارجی به ایالات متحده ممانعت می‌کنند.

این ممنوعیت‌های مهاجرتی که در ابتدا در ماه اپریل و جون صادر شده بودند، در پایان ماه دسامبر منقضی می‌شدند اما با دستور ترامپ حالا سه ماه دیگر یعنی تا پایان مارس ۲۰۲۱ تمدید شده‌اند.

این دستور رییس جمهوری امریکا در حالی صادر می‌شود که بسیاری از قضات و دادگاه‌های این کشور با این ممنوعیت‌های مهاجرتی مخالفت کرده‌اند.

رییس جمهوری امریکا این تصمیمات را حمایت از اقتصاد ایالات متحده عنوان کرده در حالی که گروه‌های تجاری می‌گویند این اقدامات بهبود اقتصادی در این کشور را با مشکل مواجه می‌کند.

به گزارش یورونیوز، دونالد ترامپ، رییس جمهور امریکا روز پنجشنبه دستور تعلیق صدور کارت سبز و هم‌چنین انواع ویزا برای ورود مهاجران به امریکا را تا پایان ماه مارچ تمدید کرد.

رییس جمهور ترامپ در حالی در آخرین روز سال ۲۰۲۰ بار دیگر بر سیاست‌های ضد مهاجرتی خود تأکید کرد که جو بایدن، رییس جمهوری منتخب امریکا بارها وعده داده تمام این محدودیت‌ها را لغو و فضا را برای مهاجران هموارتر از دوران ریاست جمهوری دونالد ترامپ خواهد کرد.

به گزارش یورونیوز، کاخ سفید در بیانیه‌ای که به این مناسبت منتشر کرده می‌گوید دلیل این تصمیم میزان شیوع بالای بیماری کووید-۱۹ و اثرات مخربی است که بر روی اقتصاد و معیشت امریکایی‌ها گذاشته است. در این بیانیه کاخ سفید هم‌چنین آمده است هرچند نرخ بیکاری در ماه نوامبر نسبت به ماه اپریل کاهش یافته، اما هنوز حدود ۱۰ میلیون نفر در این کشور بیکار هستند.

این تصمیم دونالد ترامپ با واکنش تیم رییس جمهور منتخب مواجه شده است. جن پسخی، سخنگوی تیم انتقالی جو بایدن در این خصوص



## ریاست دوره‌ای اتحادیه اروپا به پرتغال رسید

پرتغال از اول جنوری سال ۲۰۲۱ به گونه رسمی ریاست دوره‌ای اتحادیه اروپا را برعهده گرفت.

به نقل از دویچه‌وله فارسی، نخست‌وزیر این کشور تأکید کرد که در این دوره بر واکسیناسیون سراسری کرونا در اروپا و بازسازی آسیب‌های اقتصادی - اجتماعی ناشی از آن تمرکز خواهد کرد.

آلمان پس از شش ماه ریاست دوره‌ای اتحادیه اروپا، این پست را به پرتغال تحویل داد.

بدین ترتیب پرتغال سر از جمعه، یکم جنوری، به گونه رسمی ریاست دوره‌ای این نهاد را برعهده گرفته است.

به گزارش خبرگزاری فرانسه، یکی از مهم‌ترین وظایف ریاست دوره‌ای پرتغال، هماهنگ‌سازی بسته‌های کمکی بزرگ اتحادیه اروپا در مقابله با شیوع کرونا به ارزش ۷۵۰ میلیارد یورو خواهد بود.

آلمان با مذاکرات مقدماتی، آماده‌سازی‌های لازم را در مرحله اول پرداختن به این موضوع انجام داده است.

آنتونیو کوشتا، نخست‌وزیر پرتغال، اما در یادداشتی در ستون مهمان مجله هفته‌گی «کسپرسو» گفته است که مرحله بعدی نیز اهمیت خود را دارد و از مرحله اول کم‌اهمیت‌تر نیست.

به گفته او، در این مرحله واکسیناسیون سراسری کرونا در اروپا و برنامه‌های ملی بازسازی اقتصاد آسیب‌دیده از کرونا باید به اجرا در بیاید.

وظیفه مهم دیگری که در سرلوحه ریاست دوره‌ای پرتغال قرار خواهد داشت، پرداختن به سیاست اجتماعی اروپا است. قرار است کشورهای عضو اتحادیه اروپا در ماه می در پورتو نشستی با محوریت سیاست اجتماعی برگزار کنند و با بررسی تجربیات همه‌گیری کرونا حقوق اجتماعی اروپایی‌ها را گسترش دهند.

ریاست دوره‌ای پرتغال در اتحادیه اروپا با آغاز ریاست جمهوری جو بایدن در امریکا همراه است. اتحادیه اروپا به دنبال بهبود روابط با امریکا است که در دوره ریاست جمهوری دونالد ترامپ در ایالات متحده، به شدت آسیب دیده است.

قرار است دونالد ترامپ بیستم جنوری مقام ریاست جمهوری امریکا را به جو بایدن، پیروز انتخابات این کشور، واگذار کند.